

تحلیلی بر تعاملات جمهوری اسلامی ایران و شورای همکاری خلیج فارس (۱۳۸۴-۱۳۹۱)

* سید جلال دهقانی فیروزآبادی

** وحید نوری

چکیده

با روی کار آمدن اصولگرایان در جمهوری اسلامی، دوران پرتنش دیگری در روابط ایران و شورای همکاری خلیج فارس پدید آمده است. این تنش ها با آغاز امواج خیزش های مردمی در خاورمیانه و گسترش آن به زیرمجموعه خلیج فارس تشدید شده است؛ بنابراین پرسش اصلی این پژوهش آن است که مهم ترین عامل در رویکرد شورای همکاری خلیج فارس در قبال ایران

* استاد روابط بین الملل دانشگاه علامه طباطبایی (ره) (jdeghani20@yahoo.com).

** دانشجوی دکتری روابط بین الملل، دانشگاه علامه طباطبایی (ره).

استادان محترم دکتر اصغر جعفری ولدانی و دکتر سید عبدالامیر نبوی این مقاله را قبل از انتشار مطالعه و نکاتی به منظور بهبود مقاله ارائه کرده اند. مؤلفان بر خود لازم می دانند از این اساتید و همچنین از داوران پیش نویس اولیه قدردانی کنند.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۷/۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۲/۶

فصلنامه پژوهش های روابط بین الملل، دوره نخست، شماره پنجم، پاییز ۱۳۹۱.

چیست؟ فرضیه اصلی این پژوهش این است که «پندار تهدید ایران» مهم ترین عامل در سیاست خارجی شورای همکاری خلیج فارس در قبال جمهوری اسلامی است. در چهارچوب نظری این پژوهش، پرسش فرعی نخست آن است که آیا خلیج فارس معیارهای لازم برای شکل دهی یک «مجموعه امنیتی منطقه‌ای» را دارد؟ پس از پاسخ مثبت به این پرسش و طرح دلایل غیرواقعی بودن تهدید ایران، در پرسش فرعی دوم به دلایل پنهان ترویج «ایران هراسی» در منطقه خواهیم پرداخت. در این باره فرضیه فرعی دوم آن است که ایالات متحده و عربستان سعودی به‌منظور یکپارچه‌سازی اعضای شورای همکاری خلیج فارس در مقابل ایران از این سیاست بهره می‌گیرند.

واژه‌های کلیدی: مجموعه امنیتی منطقه‌ای، موازنه تهدید، موازنه قوا، شورای همکاری خلیج فارس، ایران‌هراسی.

مقدمه

به لحاظ تاریخی روابط ایران با همسایگان عرب جنوبی خود چندان حسنه نبوده است. آنچه در این میان موجب استثنائات موقتی شده، درک ضرورت‌های همسایگی از سوی برخی دولت‌ها نظیر عمان (جعفری ولدانی، ۱۳۸۹: ۳۵) است. با پیروزی انقلاب اسلامی، آغاز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران و حمایت اعراب از رژیم بعثی عراق، تیرگی روابط دوچندان شد. با پایان جنگ و آغاز فعالیت دولت سازندگی در ایران، روابط جمهوری اسلامی با کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس از حالت غیرعادی خارج شد و تنش‌ها کاهش یافت. این روند در دوران اصلاحات با طرح اصول تنش‌زدایی و اعتمادسازی در سیاست خارجی ادامه یافت و سرشت تعاملات سازنده‌تر شد. با روی کار آمدن اصولگرایان در ایران و احیای گفتمان انقلاب اسلامی در سیاست خارجی، بار دیگر روابط ایران و شورای همکاری خلیج فارس به تیرگی گرایید. این امر در حالی است که به رغم خطابه‌های ضد غربی و ضد اسرائیلی دولتمردان این دوره، جمهوری اسلامی به مراتب بیشتر از دولت‌های گذشته به سوی اعراب دست دوستی دراز کرد. با آغاز امواج خیزش‌های مردمی در خاورمیانه عربی و سرایت آن به برخی دولت‌های خلیج فارس، این تیرگی روابط دوچندان شد و به اعتقاد برخی اکنون «بوی باروت» به خود گرفته است!

این پژوهش یک پرسش اصلی و دو پرسش فرعی دارد. پرسش اصلی این پژوهش آن است که مهم‌ترین عامل در رویکرد و مواضع شورای همکاری خلیج فارس در برابر ایران چیست؟ در پاسخ و به عنوان فرضیه اصلی استدلال می‌شود که «پندار تهدید ایران» (متغیر مستقل) مهم‌ترین عامل در سیاست خارجی شورای

۱. دیپلماسی ایرانی: «اگر اعراب بگذارند، ایران فکر جنگ نیست»، ۱۳۹۰/۱/۳۱.

همکاری خلیج فارس (متغیر وابسته) در قبال جمهوری اسلامی است. ایدئولوژی انقلابی، افزایش قدرت نظامی ایران، مقاصد نظامی در برنامه هسته‌ای و تحریک شیعیان در دولت‌های عضو شورای همکاری خلیج فارس مهم‌ترین مؤلفه‌های پندار تهدید ایران به شمار می‌روند. پرسش فرعی نخست با در نظر گرفتن چهارچوب نظری مقاله آن است که آیا اساساً خلیج فارس یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای به شمار می‌رود؟ با توجه به معیارهای معرفی شده توسط طراحان این نظریه، پاسخ ما آن است که خلیج فارس یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای به شمار می‌رود. از آنجا که واکاوی دقیق مؤلفه‌های تهدید در فرضیه اصلی بیانگر غیرواقعی بودن این تهدیدهاست، بنابراین پرسش فرعی دوم این پژوهش آن است که ریشه‌ها و دلایل پنهان سیاست «ایران هراسی» چیست؟ پاسخ موقت ما به عنوان فرضیه فرعی دوم آن است که ایالات متحده و عربستان سعودی اهدافی راهبردی در خاورمیانه و خلیج فارس دارند که با منافع جمهوری اسلامی در تضاد است؛ بنابراین ریاض و واشنگتن به منظور مقابله با تهران و یکپارچه‌سازی سیاست‌های اعلامی و اعمالی دیگر دولت‌های عضو شورای همکاری، از سیاست ایران‌هراسی بهره می‌گیرند.

این مقاله در یک مقدمه، پنج بخش و یک نتیجه‌گیری تنظیم شده است؛ بخش نخست به مسائل روشی می‌پردازد. در بخش دوم نظریه «موازنه تهدید» و نظریه «مجموعه امنیتی منطقه‌ای» به عنوان چهارچوب نظری و مفهومی مقاله تشریح خواهد شد. بخش سوم معیارهای لازم برای تشخیص یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای در خلیج فارس را بررسی می‌کند. در بخش چهارم مؤلفه‌های تهدید ایران و سیاست‌های شورای همکاری خلیج فارس در قبال آنها بررسی و تحلیل می‌شود. بخش پایانی نیز به انگیزه‌های ایالات متحده و عربستان سعودی در ترویج سیاست ایران‌هراسی می‌پردازد.

۱. مباحث روشی

۱-۱. استراتژی پژوهشی

این پژوهش بر استراتژی پژوهشی قیاسی مبتنی است؛ بدین ترتیب که به منظور تبیین تعاملات جمهوری اسلامی ایران و شورای همکاری خلیج فارس، از

ظرفیت‌های تبیینی نظریه‌های مجموعه امنیتی منطقه‌ای و موازنه تهدید بهره خواهیم گرفت. طبق استراتژی پژوهشی قیاسی، آزمون فرضیه‌های مأخوذ از نظریه در واقع خود نظریه را مورد آزمون قرار می‌دهد و اثبات فرضیه بیانگر قابلیت تبیینی نظریه مورد نظر است (بلیکی، ۱۳۸۹: ۱۴۱).

۱-۲. راستی آزمایی فرضیه‌ها

به رغم بهره‌گیری از برخی داده‌های کمی، این پژوهش تحقیقی کمی به شمار نمی‌رود؛ از این رو روش پژوهش به مفهوم تحقیقات کمی در آن وجود ندارد؛ بنابراین راستی آزمایی فرضیه‌های این پژوهش از طریق واکاوی و استدلال منطقی در خصوص سیاست‌های اعلامی و اعمالی شورای همکاری خلیج فارس در قبال جمهوری اسلامی ایران، با تمرکز بیشتر بر بازه زمانی ۱۳۸۴-۱۳۹۰ صورت می‌گیرد.

۱-۳. سطح تحلیل

این پژوهش بر سطح تحلیل منطقه‌ای مبتنی است. در مجموع سه دیدگاه درباره سطح تحلیل منطقه‌ای در تحلیل‌های سیاسی - امنیتی وجود دارد: دیدگاه نخست سطح تحلیل منطقه‌ای را سطح جداگانه‌ای نمی‌داند و معتقد است کشورها در هر سطحی رفتار مشابهی خواهند داشت. دیدگاه دوم هر منطقه جغرافیایی را منطقه‌ای منحصر به فرد می‌داند که مفروض‌ها و گزاره‌های آن قابل تسری به مناطق دیگر نیست. دیدگاه سوم به عنوان حد واسط دو دیدگاه قبلی برای مناطق، اعتبار تحلیلی و حتی هستی‌شناختی قائل است؛ اما در عین حال معتقد است مناطق ذاتاً نظام‌هایی باز می‌باشند و از عوامل سطوح بالاتر (بین‌الملل) و پایین‌تر (ملی) خود تأثیر می‌پذیرند (عبدالله‌خانی، ۱۳۸۳: ۲۷۵-۲۷۴). نظریه «مجموعه امنیتی منطقه‌ای» بر دیدگاه سوم مبتنی شده است که همراه با نظریه موازنه تهدید، به عنوان چهارچوب نظری این پژوهش در بخش بعدی تشریح می‌شود.

۲. چهارچوب نظری

۲-۱. نظریه موازنه تهدید

«موازنه تهدید»^۱ مفهومی است که *استفن والت*^۲ برای درک عمیق‌تر، علمی‌تر یا به تعبیر خود وی «پالایش و تهذیب»^۳ مفهوم سنتی «موازنه قوا»^۴ ارائه کرده است (Walt, 1988: 281). وی با مطالعات خود در خصوص روند تشکیل اتحادها و ائتلاف‌ها در قرن بیستم و به‌ویژه در دوران جنگ جهانی اول و دوم و همچنین دوران جنگ سرد بر این باور است که دولت‌ها نه بر مبنای منطق توازن قوا، بلکه بر مبنای توازن تهدید عمل می‌کنند (Walt, 1987). به عبارت دیگر دولت‌ها در مقابل هر قدرتی به سیاست توازن قوا روی نمی‌آورند، بلکه در برابر کشوری که افزایش قدرت آن را تهدید می‌پندارند، موازنه‌سازی می‌کنند. *کالین و مریم الیمان*^۵ مفهوم موازنه تهدید را به مثابه پیشرفتی لاکاتوشی در مفهوم موازنه قوای کنت والتز^۶ می‌دانند؛ چرا که مفهوم جدید، توانایی تبیین پدیده‌ها و وقایعی را دارد که مفهوم سنتی موازنه قوا از تبیین آنها قاصر است (Elman&Elman, 2003: 20). برای مثال در دوران جنگ سرد افزایش قدرت ایالات متحده پدیده‌ای واحد برای دولت‌های کانادا و کوبا بود که واکنش‌های بسیار متفاوت آنها را در پی داشت؛ درحالی‌که کانادا هیچ‌گاه سیاست موازنه‌سازی را در پیش نگرفت، دولت کوبا کوشید با ایجاد ائتلاف با شوروی سابق به موازنه برون‌گرا علیه ایالات متحده بپردازد. مثال دیگر، ائتلاف‌سازی دولت‌های اروپای غربی با ایالات متحده پس از پایان جنگ دوم جهانی است. بر مبنای منطق موازنه قوای سنتی، این دولت‌ها می‌بایست علیه ایالات متحده که قدرت بلامنازع^۷ آن زمان بود، ائتلاف می‌کردند؛ اما دولت‌های اروپای

1. Balance of Threat
2. Stephen Walt
3. refinement
4. Balance of Power
5. Colin Elman & Miriam Elman
6. Kenneth waltz

۷. در سال ۱۹۵۰، ایالات متحده تقریباً ۴۰ درصد تولید ناخالص جهانی را داشت؛ درحالی‌که شوروی فقط ۱۳/۵ درصد را در اختیار داشت. قدرت هوایی و دریایی ایالات متحده نیز بسیار فراتر از شوروی بود و علاوه بر آن از تسلیحات اتمی برخوردار بود (walt,1988: 280).

غربی در ائتلاف با ایالات متحده علیه شوروی متحد شدند. از دیدگاه والت پدیده‌های گفته شده مصادیق ناکارآمدی نظریه موازنه قوا هستند و می‌توان آنها را با توسل به مفهوم توازن تهدید تبیین کرد که بر مبنای این نظریه دولت‌ها در مواجهه با تهدیدها و نه صرف قدرت به ائتلاف‌سازی روی می‌آورند؛ بنابراین دولت‌های اروپای غربی احساس تهدیدی از قدرت روزافزون ایالات متحده نمی‌کردند، بلکه برعکس به دلیل نیت تجاوزکارانه مسکو، قدرت نظامی آن و همچنین نزدیکی جغرافیایی شوروی، از آن بیمناک بودند.

هانس موریتزن^۱ در توصیف مفهوم توازن تهدید پا را فراتر نهاده و معتقد است با ورود این نظریه، انقلابی در روابط بین‌الملل رخ داده است. به نظر وی مفهوم ابتکاری والت در مقایسه با موازنه قوای والتز پیچیدگی کمتر و قابلیت تحلیلی بیشتری دارد (Mouritzen, 2005: 87). استوارت کافمن^۲، ریچارد لیتل^۳ و ویلیام وولفرز^۴ نیز در کتاب **موازنه قوا در تاریخ جهان** با مطالعات موردی هشت‌گانه خود در تاریخ پیشامدرن و نظام بین‌الملل غیراروپایی به این نتیجه رسیده‌اند که نظریه موازنه قوا در خارج از اروپا مصادیق چندانی ندارد (1: 2007). ارگانسکی^۵ نیز معتقد است: «تاریخ روابط بین‌الملل در یک قرن و نیم گذشته نشان می‌دهد که موازنه قوا نه یک قانون، بلکه یک استثنا به شمار می‌رود» (به نقل از Walt, 1988: 280).

در این میان این پرسش به ذهن متبادر می‌شود که اگر در نظریه موازنه قوا مفهوم «قدرت» به سادگی بر مبنای قابلیت‌های مادی سنجیده می‌شود، مفهوم بیناذهنی «تهدید» چگونه عملیاتی و سنجیدنی می‌شود؟ در پاسخ به این پرسش والت چهار شاخص ذیل را به منظور عملیاتی کردن مفهوم تهدید ارائه می‌کند (Walt, 1987: 21-26).

۱. **مجموع قدرت**^۱: که از تجمیع مؤلفه‌های قدرت مانند جمعیت، توانایی‌های

-
1. Hans Mouritzen
 2. Stuart J. Kaufman
 3. Richard Little
 4. William C. Wohlforth
 5. Organski
 6. Aggregate Power

اقتصادی، وسعت سرزمینی، ظرفیت های فناورانه، همبستگی سیاسی^۱ و غیره حاصل می شود. این شاخص وجه اشتراک نظریه موازنه قوا و نظریه موازنه تهدید است. نظریه دوم اگرچه قدرت را شاخص مهمی برای تحلیل می داند، تمرکز صرف بر آن را رد می کند.

۲. نزدیکی جغرافیایی^۲: درک از تهدید با نزدیکی جغرافیایی رابطه ای مستقیم دارد؛ بنابراین دغدغه های امنیتی دولت هایی نظیر سوریه و لبنان از رژیم صهیونیستی به مراتب بیشتر از دولت ایران است.

۳. قابلیت های تهاجمی^۳: هر چه میزان توانمندی های تهاجمی یک کشور بیشتر باشد، دغدغه های امنیتی آن کشور به همان میزان افزایش می یابد. اگرچه برخی معتقدند تفکیک میان تسلیحات نظامی تهاجمی از تسلیحات نظامی تدافعی دشوار است و این امر به تنگنای امنیتی^۴ برای همه دولت ها منجر شده است (Schweller, 1996: 103-104)، این پیچیدگی ها بیشتر در سطح نظری طرح می شود و کارشناسان نظامی به خوبی می توانند درباره تهاجمی یا تدافعی بودن تسلیحات نظامی دیگر دولت ها قضاوت کنند. برای مثال کمتر کارشناس نظامی، خرید بمب های سنگرشکن^۵ GBU-28 و GBU-39 توسط اسرائیل (The Military Balance, 2010: 239) را با هدف اجرای سیاست های تدافعی ارزیابی می کند.

۴. نیت تهاجمی^۶: دولت های دارای نیت تهاجمی در مقایسه با دولت های حافظ وضع موجود متضمن تهدیدهای بیشتری هستند.

۲-۲. نظریه مجموعه امنیتی منطقه ای^۷

نظریه «مجموعه امنیتی منطقه ای» الگویی از امنیت منطقه ای است که امکان تحلیل، تبیین و تا حدی پیش بینی تحولات درون هر منطقه را ممکن می کند. فرض مبنایی این نظریه آن است که سطح مناسب تحلیل در مطالعات امنیتی، سطح منطقه ای است

1. Political Cohesion
2. Geographical Proximity
3. Offensive Capabilities
4. Security Dilemma
5. Bunker Buster
6. Aggressive Intentions
7. Regional Security Complex Theory

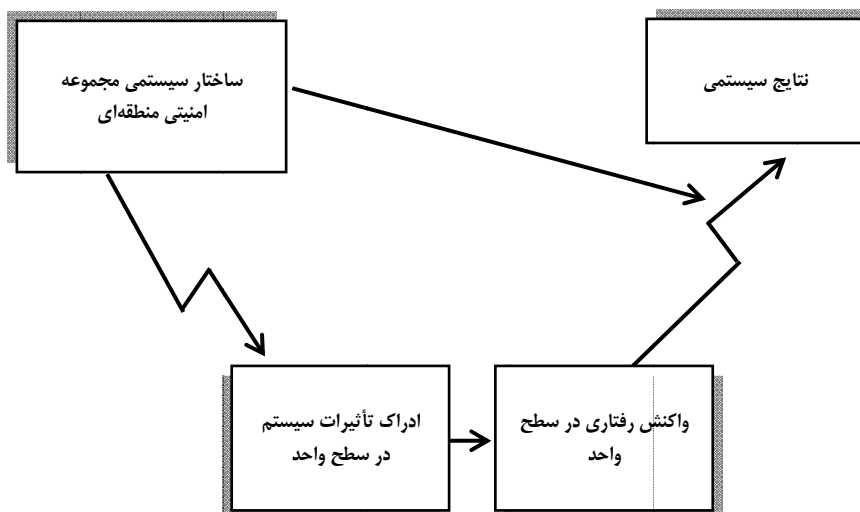
و حد واسط سطوح ملی و جهانی به شمار می‌رود؛ زیرا پویش‌های امنیتی ذاتاً رابطه‌ای^۱ هستند و هیچ ملتی نمی‌تواند به تنهایی امنیت خود را تأمین کند. در نتیجه امنیت ملی - مثلاً امنیت ملی ایران - به خودی خود سطح معناداری از تحلیل به شمار نمی‌رود. همچنین مطالعه امنیت در دستور کار جهانی نیز به ایجاد چشم‌اندازی بزرگ و ورود متغیرهای فراوان و گاهی بی‌تأثیر منجر می‌شود که در عین دشواری، از ارزش تحلیلی می‌کاهد؛ اما در سطح منطقه‌ای، دولت‌ها آن میزان به هم نزدیک هستند که نمی‌توان امنیت آنها را جدای از یکدیگر در نظر گرفت (Buzan & Waever, 2003: 43).

بوزان و ویور مجموعه امنیتی در سطح منطقه را چنین تعریف می‌کنند: «مجموعه‌ای از واحدها (اعم از دولت‌ها) که فرایندهای عمده امنیتی کردن، غیرامنیتی کردن یا هر دوی آنها چنان به یکدیگر مرتبط است که مشکلات امنیتی آنها نمی‌تواند به طرز معقولانه‌ای فارغ از یکدیگر تحلیل یا حل شود» (2003, 44). از نظر بوزان مجموعه امنیتی منطقه‌ای صرفاً یک مفهوم نیست، بلکه شأن هستی‌شناختی دارد و در تشخیص وجود یا نبود آن معیارهایی وجود دارد: وابستگی شدید امنیتی، الگوهای دوستی و دشمنی، مجاورت، وجود حداقل دو بازیگر مؤثر و استقلال نسبی مجموعه امنیتی از مجموعه‌های دیگر (بوزان، ۱۳۹۰: ۲۵۲-۲۱۱ و عبدالله‌خانی، ۱۳۸۳: ۲۸۲-۲۷۸).

پرسشی که در این میان طرح می‌شود، چگونگی تلفیق دو نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای و موازنه تهدید است؛ زیرا نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای، نظریه‌ای سیستمی در سطح منطقه‌ای محسوب می‌شود؛ درحالی‌که موازنه تهدید نظریه‌ای در سطح واحد به شمار می‌رود (Donnelly, 2005: 120). در پاسخ می‌توان به استدلال رئالیست‌های نوکلاسیک اشاره کرد که معتقدند در تحلیل سیاست خارجی توجه صرف به عوامل سطح نظام کافی نیست و در عین حال باید به سطوح مختلف تحلیل توجه کرد. به نظر آنها تأثیرات نظام به طور غیرمستقیم و از طریق عوامل ادراکی و ساختارهای دولتی (در سطح واحد) عملیاتی می‌شود (مشیرزاده، ۱۳۸۲: ۱۳۱-۱۲۹). شکل ذیل این تلفیق سطوح را نشان می‌دهد:

1. Relational

شکل شماره ۱. تلفیق سطوح تحلیل در نظریه مجموعه امنیت منطقه‌ای و موازنه تهدید



بوزان و ویور تأکید می‌کنند که در مطالعه مجموعه امنیتی منطقه‌ای باید به چهار بعد ذیل توجه کرد: (۱) آسیب‌پذیری‌های داخلی دولت‌ها؛ (۲) روابط دولت - دولت؛ (۳) تعامل منطقه با مناطق همسایه و (۴) نقش قدرت‌های جهانی در منطقه (51: 2003). در بخش چهارم این مقاله تلاش می‌شود با در نظر گرفتن ابعاد گفته شده روابط ایران و شورای همکاری خلیج فارس در بازه زمانی ۱۳۸۴-۱۳۹۰ را تحلیل کرد. پیش از آن به این پرسش مبنایی می‌پردازیم که آیا اساساً معیارهای لازم برای وجود مجموعه‌ای امنیتی در خلیج فارس وجود دارد؟

۳. آیا خلیج فارس مجموعه‌ای امنیتی است؟

همان‌گونه که در بخش قبل تشریح شد، دانشمندان علوم سیاسی و مطالعات امنیتی از عامل «امنیت» برای تعریف و تشخیص «منطقه‌بودگی»^۱ در نواحی مختلف جغرافیایی بهره می‌گیرند. حال این پرسش طرح می‌شود که آیا الگوهای امنیتی و غیرامنیتی کردن خلیج فارس، این حوزه جغرافیایی را به مجموعه‌ای منطقه‌ای تبدیل کرده است؟ برخی تحلیلگران مانند پیروز مجتهدزاده (۱۳۸۰: ۴۹۸)، استاد جغرافیای سیاسی، و پینار بیلجین^۲ (2005: 126)، متخصص مسائل خاورمیانه، به این پرسش

1. Regionness
2. Pinar Bilgin

پاسخ مثبت می‌دهند. با این حال ما درصددیم بر اساس معیارهای طرح شده در نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای به این پرسش بپردازیم.

خلیج فارس معیارهای لازم برای شکل‌دهی به مجموعه‌ای امنیتی را داراست. ایران و شورای همکاری خلیج فارس به رهبری عربستان سعودی دو بازیگر مهم این مجموعه هستند. واحدهای موجود در این مجموعه در اطراف خلیج فارس واقع شده‌اند که با ۲۴۰ هزار کیلومتر مربع مساحت، حداکثر ۹۹۰ کیلومتر طول و بین ۳۳۸-۶۵ کیلومتر عرض دارند (Haghshenas, 2008: 2)؛ بنابراین با توجه به فاصله نه چندان زیاد دولت‌ها در این مجموعه، معیار مجاورت نیز وجود دارد. عوامل قومیت (اعراب در برابر فارس‌ها)، مذهب (شیعه در برابر سنی) (Buzan & Waever, 2003: 190) و همچنین وابستگی شدید دولت‌های خلیج فارس به درآمدهای نفتی (رانتیر بودن) (بلامی، ۱۳۸۶: ۲۴۴) موجب وابستگی شدید امنیتی در این مجموعه شده است. الگوهای دوستی و دشمنی در خلیج فارس نیز از عوامل قومیت و مذهب متأثر است. شیرین‌هانترا^۱ این دو عامل را مهم‌ترین عوامل تنش در روابط ایران و اعراب از قرن هفتم میلادی تاکنون می‌داند (2010: 186).

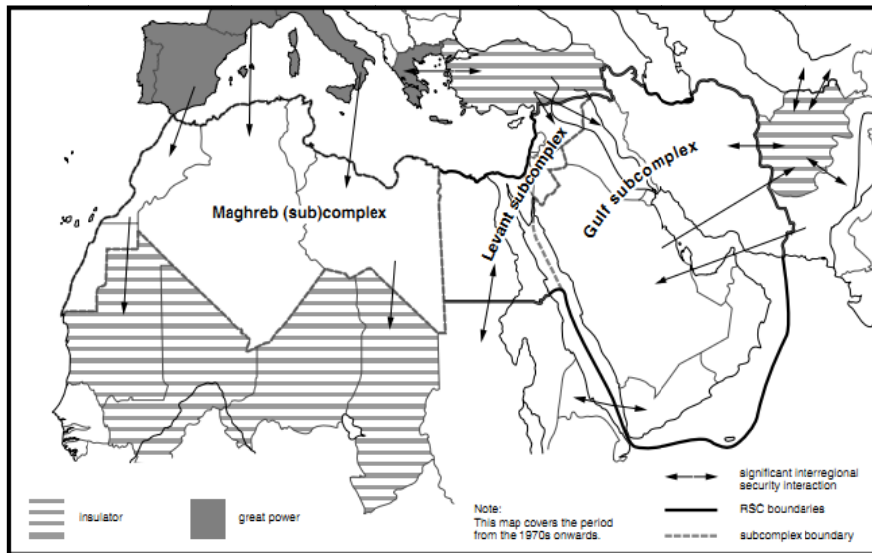
در آخر باید به ارزیابی معیار «استقلال مجموعه امنیتی خلیج فارس» پرداخت که تفصیل بیشتری می‌طلبد. بوزان و ویور در کتاب «مناطق و قدرت‌ها» (2003) خاورمیانه را یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای دانسته‌اند که شامل سه زیرمجموعه^۲ مجزای «خلیج فارس»، «شامات» و «مغرب» است. شامات شامل سوریه، لبنان، اردن، اسرائیل، فلسطین و مصر می‌شود. زیرمجموعه مغرب نیز لیبی، تونس، الجزایر و مراکش را دربرمی‌گیرد. زیرمجموعه خلیج فارس نیز شامل دولت‌های ایران، عراق، کویت، عربستان سعودی، قطر، بحرین، امارات متحده عربی، عمان و یمن است. این زیرمجموعه که با خروج بریتانیا از منطقه در سال ۱۹۷۱ پدید آمد، مساحتی در حدود شش میلیون کیلومتر مربع را تحت پوشش قرار می‌دهد.^۳

1. Shireen Hunter

2. Sub-complex

۳. این عدد را نگارنده از مجموع مساحت دولت‌های مذکور (اطلس جامع گیتاشناسی، ۱۳۸۸) و همچنین مساحت تقریبی دریای عمان و خلیج فارس (Haghshenas, 2008: 2-3) استخراج کرده است.

شکل شماره ۱. مجموعه امنیتی در منطقه خاورمیانه و زیرمجموعه‌های آن



Buzan&Waever, 2003: 189

اگرچه بوزان و ویور با «زیرمجموعه» خواندن خلیج فارس در واقع برای آن استقلال زیادی در پویای امنیتی قائل نشده‌اند، منکر سرشت ویژه تعاملات امنیتی در این زیرمجموعه نیز نیستند. به تعبیر دیگر پویای امنیتی در خلیج فارس با شدت بیشتر، از تعاملات واحدهای درون این زیرمجموعه متأثر است؛ اما در عین حال تحولات موجود در مجموعه گسترده‌تر خاورمیانه، به‌ویژه تحولات زیرمجموعه شامات نیز بر تعاملات درونی واحدها در خلیج فارس تأثیرگذار است. برای مثال سوریه از رقبای جدی اسرائیل در زیرمجموعه شامات است؛ اما در عین حال در دو جنگ اول و دوم خلیج فارس علیه عراق موضع گرفت. مصر نیز دیگر بازیگر تأثیرگذار در خلیج فارس است که در دهه ۱۹۶۰ به‌طور گسترده در یمن مداخله نمود. همچنین این کشور با هدف جلوگیری از نفوذ عراق در شیخ‌نشین‌های خلیج فارس روابط نزدیکی با آنها بالاخص کویت برقرار نمود (جعفری ولدانی، ۱۳۸۹: ۵۰). مصر در جنگ دوم خلیج فارس نیز علیه عراق وارد عمل شد.

اگرچه تأثیرپذیری پویای امنیتی در زیرمجموعه خلیج فارس از هسته مجاور خود انکارناپذیر است، با این حال خلیج فارس روز به روز استقلال بیشتری می‌یابد. مهم‌ترین دلیل این امر پیدایش شورای همکاری خلیج فارس و سیاست‌های

اتخاذی آن در گذر زمان است که به اعتقاد الکس بلامی^۱، موجب پیدایش یک جامعه سیاسی فراملی و متمایز از باقی اعراب شده است؛ در نتیجه شورای همکاری خلیج فارس با برجسته‌سازی و مشروعیت‌بخشی به تفاوت‌های خود با باقی اعراب، این امکان را یافته است که حتی سیاست‌های متعارض با منافع دیگر اعراب را دنبال کند (بلامی، ۱۳۸۶: ۲۵۷-۲۵۸). بیاجین جداسازی دولت‌های عرب خلیج فارس از باقی دنیای عرب را حاصل طراحی ایالات متحده با هدف تفکیک میان امنیت صادرات نفت و منازعه اسرائیل - فلسطین می‌داند (2005: 151) که به طور قطع تجربه بحران نفتی ۱۹۷۳ در این میان بی‌تأثیر نبوده است^۲. درک اعضای شورای همکاری خلیج فارس از منطقه بودگی خلیج فارس پس از بحران کویت در ۱۹۹۱ نهادینه شده است (Bilgin, 2005: 126).

مسئله دیگر در بررسی معیار استقلال مجموعه امنیتی خلیج فارس، تقویت جایگاه ایالات متحده در میان دولت‌های عضو شورای همکاری خلیج فارس به ویژه پس از بحران دوم خلیج فارس است. به اعتقاد بوزان و ویور اگرچه این امر به ایجاد وضعیتی نظیر «تحت‌الحماگی»^۳ برای دولت‌های عضو شورای همکاری خلیج فارس و افزایش نسبی جایگاه متغیرهای جهانی در پویش‌های امنیتی خلیج فارس منجر شده است، هنوز تأثیر متغیرهای جهانی بر تعاملات امنیتی در خاورمیانه و خلیج فارس حاشیه‌ای است (2003: 200-205).

۴. پندار تهدید ایران

مهم‌ترین مؤلفه‌های تهدید ایران در چهار حوزه ایدئولوژی انقلابی، قابلیت‌های نظامی، مقاصد نظامی در برنامه هسته‌ای و تحریک اقلیت‌های شیعی در دولت‌های عضو شورای همکاری خلیج فارس دیده می‌شود. در ادامه، این مؤلفه‌ها و سیاست‌های اتخاذی شورای همکاری خلیج فارس را دقیق‌تر بررسی خواهیم کرد.

1. Alex Bellamy

۲. جان فاستر دالس، وزیر امور خارجه امریکا در دولت آیزنهاور، در سال ۱۹۵۸ هشدار داد که: «اگر دولت‌های عرب در زمینه عرضه نفت به اروپای غربی با هم متحد باشند، اروپای غربی در تأمین نفت با تهدیدی اساسی روبه‌رو خواهد شد» (به نقل از بلامی، ۱۳۸۶: ۲۵۸).

3. Protectorate Status

۱-۴. ایدئولوژی انقلابی ایران

انقلاب پدیده‌ای است که اگرچه در سطح ملی رخ می‌دهد، عمیقاً ماهیتی فراملی دارد. کرین بریتون در کالبدشکافی چهار انقلاب بر این اعتقاد است که همه انقلاب‌ها در طول تاریخ در پی گسترش پیام خود و رساندن آن به دیگر مردم جهان بوده‌اند (۱۳۶۳: ۲۰۸)؛ در نتیجه وقوع انقلاب‌ها وضعیتی را ایجاد می‌کند که درک از تهدید میان دولت انقلابی و همسایگان آن تشدید و احتمال جنگ در کوتاه مدت تقویت می‌شود (Walt: 1996). وقوع انقلاب اسلامی در ایران نیز از این ویژگی عمومی مستثنا نبوده است^۱. بر این مبنا بسیاری از صاحب نظران، مهم‌ترین دلیل پیدایش شورای همکاری خلیج فارس را احساس تهدید اعراب محافظه کار خلیج فارس از رخداد انقلاب اسلامی و سیاست‌های جمهوری اسلامی برای صدور آن می‌دانند (Bilgin, 2005: 126- walt, 1988: 292).

از آنجا که امنیت رژیم، پارادایم غالب در سیاست خارجی دولت‌های عرب خلیج فارس است (اسدی، ۱۳۸۹: ۴۴)، سرایت گفتمان انقلابی به سیاست خارجی جمهوری اسلامی عمیقاً روابط ایران و شورای همکاری خلیج فارس در دهه نخست پس از انقلاب را متأثر کرد. حمایت همه جانبه شورا از عراق در جنگ با ایران مهم‌ترین جلوه این تیرگی روابط بود^۲. با پایان جنگ ایران - عراق و روی کار آمدن دولت‌های سازندگی و اصلاحات در ایران، از شدت تنش‌ها نسبتاً کاسته شد. شرکت عربستان سعودی و دیگر اعضای شورای همکاری خلیج فارس در اجلاس سازمان کنفرانس کشورهای اسلامی در سال ۱۹۹۷ و گسترش همکاری‌های دو جانبه در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و حتی امنیتی^۳ از مهم‌ترین جلوه‌های تعامل ایران و اعضای شورای همکاری خلیج فارس در این دوران است. تنها مورد استثنا

۱. به منظور مطالعه در خصوص تأثیرات گفتمان سیاست خارجی ایران از انقلاب اسلامی بنگرید به: ادیب‌زاده، مجید. ۱۳۸۷. *زبان، گفتمان و سیاست خارجی، تهران: اختران*.
۲. به منظور مطالعه در خصوص تنوع تصورها از ایده «صدور انقلاب» بنگرید به: تاجیک، محمدرضا و سید جلال دهقانی فیروزآبادی. ۱۳۸۲. «الگوهای صدور انقلاب در گفتمان‌های سیاست خارجی ایران»، *راهبرد، شماره ۲۷*.
۳. بنا به اذعان منابع امریکایی، اعضای شورای همکاری در طول بحران ایران و عراق بین ۶۵-۲۵ میلیارد دلار در اختیار رژیم بعث عراق قرار دادند (Crist, 2009: 1).
۴. برای مطالعه در این خصوص بنگرید به فصول هشتم و نهم از: دهقانی فیروزآبادی، سید جلال. ۱۳۸۸. *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: سمت*.

در این زمان ماجرای کشتی خاطر در سال ۱۹۹۲ و انعکاس آن در رویکردهای شورا است!

با روی کار آمدن محمود احمدی‌نژاد در انتخابات دوره نهم ریاست جمهوری، دوران جدیدی موسوم به «اصولگرایی» در سیاست خارجی ایران آغاز شد. از مهم‌ترین وجوه سیاست خارجی این دوره می‌توان به بازتکرار شعارها و آرمان‌های فراملی انقلاب اسلامی، تأکید بر ملی‌گرایی ایرانی، ضدیت با غرب، ضدیت با صهیونیسم، نقد رویکرد سیاست خارجی دولت‌های گذشته و اتخاذ دیپلماسی تهاجمی اشاره کرد (دهقانی فیروزآبادی و نوری، ۱۳۹۱). با این حال دولتمردان این دوره نه تنها از به‌کارگیری این رویکرد در قبال دنیای عرب به طور عام و شورای همکاری خلیج فارس به طور خاص اجتناب ورزیدند، بلکه حتی گام‌هایی فراتر از دولت‌های سازندگی و اصلاحات به سوی اعراب برداشتند که متأسفانه با استقبال آنها مواجه نشد (Hunter, 2010: 205). در این زمینه، بیشترین حجم سفرهای منطقه‌ای رئیس دولت در دو سال نخست به کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس اختصاص یافت. احمدی‌نژاد سه بار به عربستان سعودی، دو بار به قطر و یک بار نیز به عمان سفر کرد. علاوه بر این، برای نخستین بار در تاریخ جمهوری اسلامی دیدارهایی در سطح ریاست‌جمهوری از کشورهای کویت، امارات متحده عربی و بحرین صورت گرفت.^۲

رویداد بی‌سابقه دیگر در این دوره، دعوت از رئیس‌جمهوری ایران به منظور شرکت در بیست و هشتمین اجلاس سران کشورهای شورای همکاری خلیج فارس در آذرماه ۱۳۸۶ بود. اگرچه این دعوت را امیر قطر و نه دبیرخانه شورا صورت داده بود، احمدی‌نژاد در آن شرکت کرد و پیشنهادهای دوازده‌گانه‌ای را طرح کرد. تأسیس سازمان همکاری‌های اقتصادی، امضای موافقت‌نامه تجارت آزاد، لغو روادید، اجازه تملک اموال غیرمنقول، سرمایه‌گذاری‌های مشترک در بخش نفت و

۱. برای مطالعه تفصیلی در خصوص این واقعه بنگرید به: جعفری ولدانی، اصغر. ۱۳۷۶. *نگاهی تاریخی به جزایر ایرانی تنب و ابوموسی، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.*

۲. برای مطالعه تفصیلی در خصوص این واقعه بنگرید به: جعفری ولدانی، اصغر. ۱۳۷۶. *نگاهی تاریخی به جزایر ایرانی تنب و ابوموسی، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.*

گاز، تأمین آب، توسعه گردشگری و تأسیس سازمان همکاری‌های امنیتی از جمله این موارد بود.^۱

شرکت احمدی نژاد در نشست شورای همکاری خلیج فارس واکنش مثبت دیگر اعضا را در پی نداشت. در بیانیه پایانی این نشست هیچ اشاره‌ای به حضور رئیس‌جمهور ایران نشد و بند مربوط به ایران همانند گذشته به سرعت خوانده شد. دولت قطر به منظور جبران، بیانیه جداگانه‌ای تحت عنوان بیانیه رئیس‌صادر نمود و از حضور و پیشنهادهای ایران قدردانی کرد. با این حال دبیرخانه شورای همکاری خلیج فارس از درج این بیانیه در وب‌سایت خود نیز ممانعت به عمل آورد (واعظی، ۱۳۸۹: ۱۰۳). پس از این سفر متکی، وزیر امور خارجه ایران، در نامه‌ای به عبدالرحمن العطیه، دبیر کل قطری شورای همکاری خلیج فارس، از وی برای آغاز مذاکرات درباره موافقت نامه تجاری دعوت کرد.^۲ علاوه بر این با توجه به اعلام برگزاری نشست آینده سران شورای همکاری خلیج فارس در مسقط، پایتخت عمان، وی در تیرماه ۱۳۸۷ به این کشور سفر کرد تا رایزنی‌های لازم در این خصوص را به عمل آورد.^۳ در نهایت دبیر کل شورای همکاری خلیج فارس در آبان همان سال به تهران سفر کرد و از تشکیل «کمیته‌های مشترک» در سطح وزرا برای پیگیری پیشنهادهای رئیس‌جمهوری ایران خبر داد. با این حال پیشنهادهای یادشده و موافقت‌نامه تجاری هیچ‌گاه به سرانجام مشخصی نرسید.

۲-۴. قدرت نظامی ایران

یکی از منابع پندار تهدید ایران، قدرت نظامی آن است. این مسئله در حالی است که جمهوری اسلامی ایران در طول بیش از سه دهه گذشته با تحریم‌های شدید بین‌المللی در حوزه نظامی روبه‌رو بوده و بدنه اصلی تجهیزات متعارف آن مربوط به قبل از انقلاب است. با این حال صنایع نظامی ایران پیشرفت‌های مناسبی داشته است. از نظر بیرونی مهم‌ترین تهدیدهای نظامی ایران از ناحیه صنایع هسته‌ای (با

۱. دیپلماسی ایرانی: «۱۲ پیشنهاد رئیس‌جمهور ایران به شورای همکاری خلیج فارس»، ۱۳۸۶/۹/۱۳.

۲. تابناک: «پیام متکی به شورای همکاری خلیج فارس»، ۱۳۸۷/۱/۲۸.

۳. تابناک: «رایزنی ایران و شورای همکاری خلیج فارس»، ۱۳۸۷/۴/۲۷.

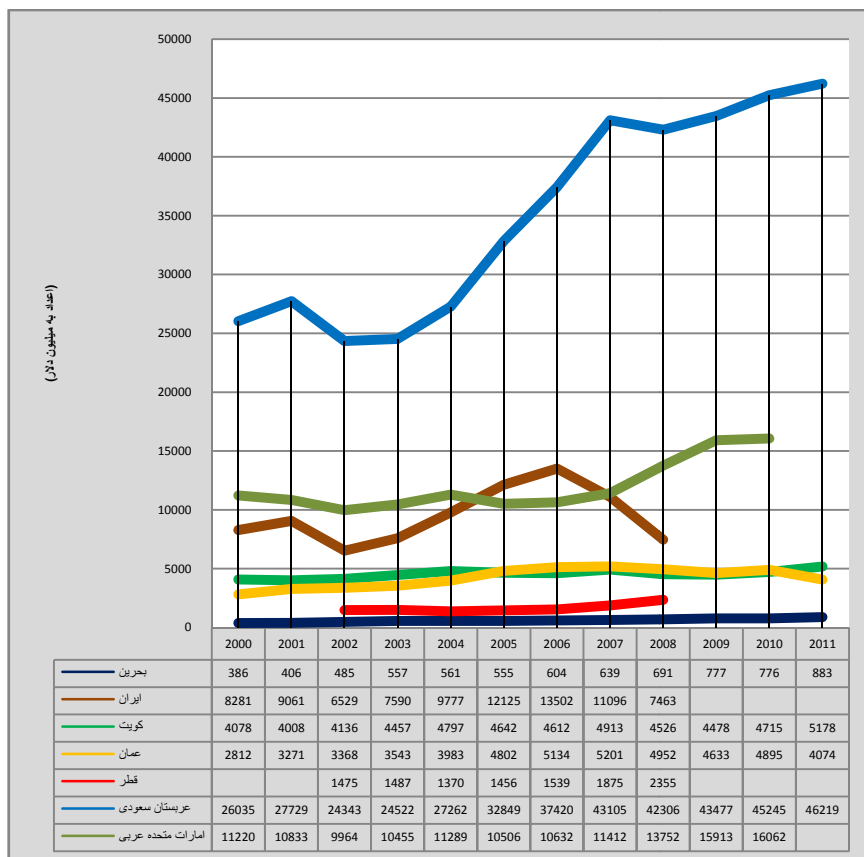
مفروض پنداشتن مقاصد نظامی)، موشکی (The Military Balance, 2010: 239) و نیروی دریایی مستقر در آب‌های جنوبی آن کشور (Henderson, 2008: 4) است. در خصوص مسئله هسته‌ای ایران هیچ‌گونه شواهدی مبنی بر انحراف آن از مقاصد صلح‌آمیز وجود ندارد (The Military Balance, 2011: 297). در بخش موشکی، مهم‌ترین موشک‌های دوربرد ایران شهاب-۳ و سجیل هستند که قابلیت حمل کلاهک‌های جنگی به وزن یک تن و برد ۱۳۰۰ کیلومتر را دارند. از مزیت‌های ویژه موشک سجیل، بهره‌گیری آن از سوخت جامد است که امکان ردگیری و حملات پیش‌دستانه علیه آن را کاهش می‌دهد. آزمایش موشک‌های یادشده در مانورهای مختلف از جمله پیامبر اعظم ۴ در سپتامبر ۲۰۰۹ با موفقیت انجام شده است (The Military Balance, 2010: 239). در حوزه نیروی دریایی به‌رغم برخورداری ایران از تجهیزات متعارفی نظیر انواع رزم‌ناو و زیردریایی مانند جماران، غدیر و نهنگ، برتری ویژه آن بهره‌گیری از تاکتیک‌های جنگ نامتقارن است. بر این مبنا انواعی از شناورهای کوچک و تندرو طراحی شده است که رادارگریز هستند و قابلیت حمل توپ و موشک‌های ضد کشتی را دارند. شناورهای عاشورا، طارق، ذوالقدر، بهمن، ذوالفقار و آذرخش (مجهز به موشک‌های ضد کشتی کوثر) از مهم‌ترین آنها هستند که با هدف حملات گروهی به هدف مشخص طراحی شده‌اند (Haghshenas, 2008: 12-13).

صرف‌نظر از بزرگ‌نمایی‌های رسانه‌ای و سیاسی در خصوص قدرت و نیات تهاجمی ایران، کارشناسان مسائل نظامی بر این باورند که دکترین نیروهای نظامی ایران و نوع تجهیزات آن نه بر مبنای تجاوزگری و حمله به همسایگان، بلکه بر اساس منطق «بازدارندگی» طراحی شده است (The Military Balance, 2011: 297-8). با این حال ظاهراً همسایگان جنوبی ایران در شورای همکاری خلیج فارس توانایی درک و تفکیک میان منطق بازدارندگی از سیاست‌های تهاجمی را ندارند و بر این اساس، قابلیت‌های نظامی ایران را تهدیدی علیه خود می‌پندارند (Khaitous, 2009). بر این اساس اعضای شورای همکاری خلیج فارس سیاست‌های ذیل را در قبال ایران در پیش گرفته‌اند:

الف. خرید‌های تسلیحاتی: خریدهای نظامی کشورهای عرب شورای

همکاری خلیج فارس در سالیان اخیر سیر صعودی به خود گرفته است و بودجه‌های فراوانی به آن اختصاص می‌یابد. برخی از اعضای شورای همکاری خلیج فارس مانند عمان، عربستان و امارات متحده عربی سالانه بین ۷ تا ۱۲ درصد تولید ناخالص ملی خود را به خرید تسلیحات اختصاص می‌دهند؛ درحالی‌که میانگین جهانی عددی بین ۲/۵ - ۲/۳ درصد است! نمودار ذیل میزان خریدهای تسلیحاتی ایران و اعضای شورای همکاری خلیج فارس در فاصله سال‌های ۲۰۱۱-۲۰۰۰ را نشان می‌دهد.

نمودار شماره ۱. میزان خریدهای تسلیحاتی ایران و اعراب در فاصله ۲۰۰۹-۲۰۰۰



Source of Data: SIPRI Military Expenditure Database, <http://milexdata.sipri.org/files/?file=SIPRI+milex+data+1988-2011.xls>

1. SIPRI Military Expenditure Database, <<http://www.sipri.org/databases/milex/>>.

خرید سپر دفاع موشکی یکی از مهم‌ترین خریدهای نظامی اعضای شورای همکاری خلیج فارس است. امارات متحده عربی در قراردادی با ایالات متحده به ارزش هفت میلیارد دلار، از سیستم «تاد»^۱ برخوردار شده است؛ این سیستم که از موشک‌های پاتریوت^۲ بهره می‌گیرد، شامل هدایت‌شونده‌های ضد موشک، سیستم پرتاب‌کننده، سیستم‌های مخابراتی، رادار و آموزش است و به گفته مقامات امریکایی، برای مقابله با تهدیدات ایران به این کشور فروخته شده است.^۳ دولت کویت نیز بر مبنای قراردادی ۹۰۰ میلیون دلاری، ۲۰۹ موشک پاتریوت از ایالات متحده خریداری کرده که هدف از آنها بازدارندگی در مقابل تهدیدات منطقه‌ای بیان شده است.^۴ بحرین نیز از این رقابت عقب‌نمانده و در قراردادی به ارزش ۴۳ میلیون دلار با شرکت امریکایی «لاکهد مارتین»^۵ به سیستمی راداری و ضد موشکی مجهز شده است.^۶ دولت قطر نیز در حال رایزنی با مقامات امریکایی برای دستیابی به سیستم‌های ضد موشکی پاتریوت-۲ است.^۷

امارات متحده عربی در اقدامی دیگر ۶۰ فروند هواپیمای اف-۱۶ از ایالات متحده خریداری کرده است. عربستان سعودی نیز در قراردادی با واشنگتن به ارزش ۲۹/۴ میلیارد دلار در پی تجهیز نیروی هوایی خود به ۸۴ فروند جنگنده F-15SA و تجهیز ۷۰ فروند از جنگنده‌های موجود خود است.^۸ نکته حائز اهمیت آنکه جنگنده‌های یادشده در شمار جنگنده‌های دوربرد محسوب می‌شوند و خریداری آنها در کنار هواپیماهای سوخت‌رسانی متضمن اهداف تهاجمی و نه دفاعی است (The Military Balance, 2011: 36-7). اگرچه خریدهای تسلیحاتی اعراب بیشتر از ایالات متحده است، برخی اعضای شورای همکاری خلیج فارس در تلاش‌اند با

1. Terminal High Altitude Defense (THAAD)

2. Patriot

۳. تابناک: «فروش سپر دفاعی موشک ۷ میلیارد دلاری امریکا به امارات»، ۱۳۸۷/۶/۱۹.

4. Defensenews.com: U.S. Plans to Sell 209 Patriot Missiles to Kuwait: <http://www.defensenews.com/article/20100811/DEFSECT01/8110302/U-S-Plans-Sell-209-Patriot-Missiles-Kuwait>

5. Lockheed Martin

۶. فردا نیوز: ایجاد سپر دفاع موشکی در بحرین، ۸۶/۷/۱۳.

7. missiledefenseadvocacy.com: <http://www.missiledefenseadvocacy.org/web/page/1166/sectionid/557/pagelevel/4/interior.aspx>

8. missiledefenseadvocacy.com: <http://www.missiledefenseadvocacy.org/web/page/1166/sectionid/557/pagelevel/4/interior.aspx>

خریدهای تسلیحاتی از چین و روسیه، موضع این دولت‌ها در حمایت از ایران را در مسئله هسته‌ای تغییر دهند. برای نمونه هدف عربستان سعودی از خرید سیستم دفاع هوایی S-400 روسیه با این هدف ارزیابی می‌شود (The Military Balance, 2010: 220).

طارق خایتوس، کارشناس مسائل خلع سلاح و عدم اشاعه، بر این اعتقاد است که اگرچه در خریدهای تسلیحاتی اعراب تأثیر برخی عوامل و انگیزه‌ها نظیر درآمدهای سرشار نفتی و تلاش اعراب برای به دست آوردن وجهه و اعتبار انکارناپذیر است، نگاه عمیق‌تر حاکی از آن است که این خریدها برای مقابله با تهدید ایران طراحی و برنامه ریزی شده است. نخستین دلیل وی به ماهیت خریدهای نظامی بازمی‌گردد. دلیل دوم این است که خریدهای تسلیحاتی اعراب به رغم کاهش درآمدهای نفتی در برخی دوره‌ها، نظیر بحران اقتصادی سال ۲۰۰۹، همچنان تداوم داشته و دارد. دلیل سوم این است که رصد خریدهای تسلیحاتی در سه دهه گذشته نشان می‌دهد که این خریدها در زمان‌های بحرانی تشدید شده است (نظیر رخداد انقلاب اسلامی (۱۹۷۹)، بحران کویت (۱۹۹۱)، بحران عراق (۲۰۰۳) و تشدید بحران هسته‌ای ایران). چهارمین دلیل این است که اعراب در گذشته اطلاعات مربوط به بودجه‌های نظامی و خریدهای تسلیحاتی خود را محرمانه نگه می‌داشتند اما، امروزه به منظور اعراب دشمنان خود، این اطلاعات را بی‌محابا اعلام می‌کنند (Khaïtous, 2009: 4-7).

ب. پذیرش نیروهای نظامی ایالات متحده در خاک خود: تا قبل از بحران کویت در سال ۱۹۹۱، حضور نظامی ایالات متحده در منطقه خلیج فارس عمدتاً بر ناوهای هواپیمابر در مناطق ساحلی مبتنی بود؛ اما پس از جنگ کویت حضور نظامی ایالات متحده در منطقه گسترش یافت و مرکز ثقل آن در عربستان سعودی قرار گرفت. پس از حوادث یازده سپتامبر ۲۰۰۱، آرایش پایگاه‌های نظامی امریکا در منطقه دستخوش تغییری اساسی شد و از عربستان به کشورهای کویت، بحرین و قطر انتقال یافت. با روی کار آمدن دولت اوباما، چینش این پایگاه‌ها از استراتژی قبل (سرنگونی صدام و حفاظت از ساختار جدید سیاسی در عراق) به استراتژی جدید یعنی مهار هر چه بیشتر ایران و شبه نظامیان طالبان در افغانستان و پاکستان

سوق پیدا کرد (گانگ، ۱۳۹۰: ۳۸-۳۵) که البته با استقبال دولت های کوچک خلیج فارس نیز مواجه شد.

قطر میزبان مهم ترین پایگاه هوایی ایالات متحده در خاورمیانه است. این پایگاه در منطقه العدید در ۳۵ کیلومتری جنوب دوحه قرار گرفته است و قابلیت فرود و نگهداری ۱۲۰ فروند هواپیمای پیشرفته نظامی را دارد. ناوگان پنجم دریایی امریکا نیز در بحرین مستقر است. علاوه بر این فرودگاه المحرق و پایگاه هوایی شیخ عیسی در منامه نیز در اختیار نیروهای امریکایی قرار دارد. کویت نیز میزبان نیروی زمینی امریکا در پایگاه «علی السالم» و همچنین پایگاه هوایی «احمد الجابر» است.^۱ عمان نیز پایگاه های هوایی و دریایی خود در مصیره، تمریت، سیب، سلاله، مطرح، ریوت و شبه جزیره مسندم را در اختیار نیروهای نظامی امریکا قرار داده است (جعفری ولدانی، ۱۳۸۹: ۵۷-۵۶).

با اعلام تصمیم ایالات متحده برای خروج نیروهای خود از عراق در سال ۱۳۹۰، اعضای شورای همکاری خلیج فارس فشارهایی بر واشنگتن وارد کردند تا این کشور همچنان نیروهای خود را در خلیج فارس نگه دارد. حسن یاری، استاد ایرانی تبار کالج نظامی کانادا، در این خصوص معتقد است اعضای شورای همکاری خلیج فارس از آن بیمناک اند که با این خروج نوعی خلأ قدرت در منطقه ایجاد شود و ایران آن خلأ را پر کند. بر این اساس قرار است ایالات متحده ضمن تقویت روابط نظامی خود با اعضای شورای همکاری خلیج فارس، نیروهای رزمی خود در کویت را افزایش دهد و کشتی های جنگی بیشتری را به خلیج فارس روانه کند.^۲

ج. متنوع سازی روابط نظامی: خط مشی دیگر اعضای شورای همکاری خلیج فارس در مقابله با تهدید ایران، تنوع بخشی به همکاری های نظامی خود با کشورهای خارج از خلیج فارس است. بدین منظور شورای همکاری خلیج فارس در سپتامبر ۲۰۰۸ یادداشت تفاهمی با دولت ترکیه درباره روابط سیاسی و امنیتی

1. BBC News: US sells \$30bn in F-15 jets to Cbia: www.bbc.co.uk/news/world-us-canada16358068

۲. دیپلماسی ایرانی: «روابط نظامی و امنیتی امریکا با کشورهای شورای همکاری خلیج فارس»، ۱۳۸۷/۱/۱۱.

منعقد کرد^۱. نکته مهم آن است که تفاهم یادشده در زمانی صورت می‌گیرد که ترکیه بازیگری خود در تحولات منطقه را افزایش داده است. از سوی دیگر مقامات امارات متحده عربی نیز در ژانویه ۲۰۰۸ تفاهم‌نامه‌ای را با نیکولاس سارکوزی^۲، رئیس‌جمهور وقت فرانسه، امضا کردند که بر اساس آن پاریس اجازه یافت پایگاهی نظامی در ابوظبی، نزدیک به تنگه هرمز ایجاد کند^۳. این تفاهم‌نامه از آن نظر اهمیت دارد که امارات درباره جزایر سه‌گانه تنب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی دعوی ارضی دارد و فرانسه به منزله عضوی از شورای امنیت می‌تواند در این خصوص مفید باشد^۴. در کنار روابط دوجانبه، اعضای شورای همکاری خلیج فارس به دنبال ایجاد رابطه با سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) نیز هستند. بدین منظور و در پاسخ به بیانیه ناتو در «ابتکار همکاری استانبول»^۵ که بحث همکاری‌های امنیتی با کشورهای خلیج فارس را طرح کرده بود، همه اعضای شورای همکاری خلیج فارس آمادگی خود را اعلام کردند^۶. در این باره، کویت در دسامبر ۲۰۰۶ توافق‌نامه‌ای امنیتی با ناتو به امضا رساند^۷.

۳-۴. فناوری هسته‌ای در ایران

مبتنی بر دیدگاه جدید «دانش به مثابه قدرت»^۸، کسب فناوری‌های جدید یکی از مؤلفه‌های قدرت دولت‌ها محسوب می‌شود (Paarlberg: 2004). جمهوری اسلامی ایران نیز با درک این مهم سرمایه‌گذاری در دانش و فناوری‌های نوین از جمله

1. Gulfnews.com: GCC Names Turkey first strategic partner outside the Gulf: gulfnews.com/.../gulf/.../gcc-names-turkey-first-strategic-partner-outside-the-gulf.html

2. Nicolas Sarkozy

۳. مهرنیوز: «پایگاه نظامی فرانسه در امارات افتتاح شد»، ۱۳۸۸/۳/۵.

۴. به منظور مطالعه تفصیلی و اجمالی در خصوص دلایل حقوقی و تاریخی مالکیت ایران بر جزایر سه‌گانه، به ترتیب بنگرید به: جعفری ولدانی، اصغر. ۱۳۷۶. نگاهی تاریخی به جزایر ایرانی تنب و ابوموسی و همچنین جعفری ولدانی، اصغر. ۱۳۸۰. ایران و حقوق بین‌الملل، تهران: پازینه، قسمت اول: جزایر تنب و ابوموسی.

5. Istanbul Cooperation Initiative

6. NATO. int: Reaching out to the Broader Middle East http://www.nato.int/cps/en/natolive/topics_58787.htm?

7. NATO. int: Reaching out to the Broader Middle East http://www.nato.int/cps/en/natolive/topics_58787.htm?

8. Knowledge as Power

نانوتکنولوژی، سلول‌های بنیادی، هوافضا، انرژی هسته‌ای و غیره را آغاز کرده و به موفقیت‌هایی نیز دست یافته است. تلاش‌های ایران در حوزه دانش هسته‌ای در حالی صورت می‌گیرد که ایران یکی از اعضای معاهده منع اشاعه هسته‌ای^۱ است و طبق مفاد این معاهده، نه تنها حق برخورداری صلح آمیز از این انرژی را داراست، بلکه طبق ماده چهار می‌بایست از کمک‌های فناورانه کشورهای پیشرفته در این خصوص نیز بهره‌مند می‌شد (عسگرخانی، ۱۳۸۳: ۱۳۴-۵). با این حال جمهوری اسلامی نه تنها هیچ کمکی از آژانس بین‌المللی انرژی اتمی^۲ و قدرت‌های غربی دریافت نکرده است، بلکه برعکس با مخالفت و مانع تراشی‌های آنها نیز روبه‌رو شده است. مخالفتی که بر اساس اتهام مقاصد نظامی در برنامه هسته‌ای ایران، از یک دهه پیش تاکنون آغاز شده و با طرح پرونده ایران در شورای امنیت سازمان ملل، وضعیت جمهوری اسلامی را امنیتی کرده است.

نگاه اعراب به برنامه هسته‌ای ایران طیفی از دیدگاه‌های موافق و مخالف را دربرمی‌گیرد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۶)؛ با این حال دولت‌های عرب شورای همکاری خلیج فارس با مفروض پنداشتن مقاصد نظامی در برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی، آن را در راستای اهداف ایران برای نیل به جایگاه برتر منطقه‌ای می‌دانند و با آن مخالفت می‌کنند. از نظر آنها تحولات منطقه به ویژه جنگ افغانستان (۲۰۰۱) و عراق (۲۰۰۳) به افزایش نفوذ منطقه‌ای جمهوری اسلامی منجر شده است. در این بستر، اعضای شورای همکاری خلیج فارس از آن بیمناک‌اند که ایران قدرتمند هسته‌ای در امور داخلی دنیای عرب به ویژه عراق، سوریه، لبنان و فلسطین مداخله کند که این امر به کاهش نفوذ منطقه‌ای اعراب و هزینه‌های مشروعیتی در داخل برای آنها منجر خواهد شد (Khatous, 2009: ix). نکته حائز اهمیت آن است که این «هراس» و مخالفت اعضای شورای همکاری خلیج فارس به مواضع گاه و بی‌گاه محدود نمی‌شود و اعراب بر مبنای منطق موازنه تهدید، برخی تدابیر عملی را نیز علیه جمهوری اسلامی طراحی و دنبال می‌کنند:

الف. اتخاذ مواضع تند سیاسی: مواضع سیاسی شورای همکاری خلیج فارس

1. Nuclear Non Proliferation (NPT)
2. International Atomic Energy Agency (IAEA)

درباره برنامه هسته‌ای ایران در قالب‌های گوناگونی طرح می‌شود. نخست، نشست‌های داخلی شورای همکاری خلیج فارس در سطح سران و وزراست که همواره در بیانیه پایانی این نشست‌ها درباره برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی اعلام نگرانی می‌شود.^۱ دوم، برگزاری نشست‌های مشترک شورای همکاری خلیج فارس با دیگر بازیگران بین‌المللی نظیر اتحادیه اروپا^۲ گروه ۱+۵ ایالات متحده^۳ و روسیه^۴ است. در بیانیه پایانی این نشست‌ها همواره به نگرانی‌ها درباره برنامه هسته‌ای ایران اشاره شده است. سوم، مواضع دبیر کل شورای همکاری خلیج فارس است. برای نمونه *العطیه* در اظهاراتی چنین بیان کرده است: «ایران به زودی به تکنولوژی کلاهک‌های موشکی دست پیدا خواهد کرد و با توجه به تحریم‌های اقتصادی و برای رها شدن از مشکلات درونی، جهان را به آشوب خواهد کشاند و جنگ چهارم جهانی را به منطقه تحمیل خواهد کرد»^۵.

ب. **همراهی با غرب در تحریم نفتی ایران:** هدف ایالات متحده و کشورهای اروپایی از تحمیل تحریم‌های اقتصادی بر ایران، تغییر محاسبات تهران در خصوص هزینه و فایده برنامه هسته‌ای یا به بیان آنها سلاح هسته‌ای است. به تعبیر دیگر غرب در صدد است تا سیاست‌گذاران ایرانی را به این جمع‌بندی برساند که تعقیب برنامه هسته‌ای بسیار پرهزینه‌تر از منافع آن بوده است (Clawson, 2010: 8)؛ بنابراین برخی تحلیلگران مسائل ایران با استناد به اینکه حدود ۸۰ درصد درآمد خارجی ایران از فروش نفت حاصل می‌شود، تحریم نفتی را کارآمدترین ابزار برای توقف برنامه هسته‌ای ایران می‌دانند (Sadjadjpour, 2007:29). به این منظور ایالات متحده و برخی از کشورهای اروپایی در سال گذشته تحریم نفتی جمهوری اسلامی را در دستور کار خود قرار دادند. دولت‌های یادشده نشست‌هایی را با تولیدکنندگان اصلی

۱. برای نمونه بنگرید به بیانیه پایانی نشست ۱۲۰ وزرای امور خارجه شورای همکاری خلیج فارس: تابناک: کد خبر: ۱۹۰۱۶۵.
۲. در این خصوص بنگرید به: تابناک: کد خبر: ۱۶۰۲۵۵.
۳. در این خصوص بنگرید به: تابناک: کد خبر: ۲۹۳۷۳.
۴. در این خصوص بنگرید به نشست مشترک ۱+۳+۶ درباره موضوع هسته‌ای ایران.
5. Arabnews.com: GCC-Russian strategic dialogue-paradigm shift? <http://arabnews.com/opinion/columns/article529505.ece>
۶. تابناک: کد خبر: ۱۲۶۱۴۶ (به نقل از روزنامه کویتی *الرأی العالم*).

نفت در شورای همکاری خلیج فارس (عربستان سعودی، امارات و کویت) برگزار کردند تا درباره افزایش سطح تولید و جبران سهم نفت ایران در بازار به توافق برسند!

جدول شماره ۱: میزان ذخایر و تولید نفت ایران، عراق و دیگر اعضای شورای همکاری خلیج فارس

نام کشور	میزان ذخایر (میلیارد بشکه)	سهم از کل ذخایر جهانی	میزان تولید در سال ۲۰۱۰ (میلیون بشکه در روز)
ایران	۱۳۷	٪۹/۹	۴/۲۴۵
عراق	۱۱۵	٪۸/۳	۲/۴۶۰
عربستان سعودی	۲۶۴/۵	٪۱۹/۱	۱۰/۰۰۷
کویت	۱۰۱/۵	٪۷/۳	۲/۵۰۸
امارات متحده عربی	۹۷/۸	٪۷/۱	۲/۸۴۹
قطر	۲۵/۵	٪۱/۹	۱/۵۶۹
عمان	۵/۵	٪۰/۴	۰/۸۶۵
بحرین	-	-	-

Source: BP Statistical Review of World Energy June 2011 (<http://www.bp.com/statisticalreview>)

جمهوری اسلامی در مقابل، تحرکات دیپلماتیکی را به منظور ممانعت از عملی شدن این تهدید آغاز کرد و به اعضای شورای همکاری خلیج فارس درباره افزایش تولید نفت خود با هدف جایگزینی نفت ایران هشدار داد^۲. به موازات مسیر دیپلماسی، نیروی دریایی ارتش نیز رزمایش «ولایت ۹۰» را در تنگه هرمز، دریای عمان و آب های شمالی اقیانوس هند تا خلیج عدن برگزار کرد و با آزمایش سلاح های جدید نظیر موشک های ضد کشتی و اژدر رادارگریز، قدرت خود را به نمایش گذاشت. در جریان رزمایش، سیاری، فرمانده کل نیروی دریایی ارتش، و رحیمی، معاون اول رئیس جمهور، اعلام کردند که در صورت تحریم نفتی جمهوری اسلامی، نیروی دریایی ایران تنگه هرمز را خواهد بست و اجازه صدور نفت را به

۱. دیپلماسی ایرانی: «نشست یازده کشور دخیل در جنگ اقتصادی علیه ایران»، ۱۳۹۰/۹/۲۸.

۲. تابناک: «هشدار ایران به کشورهای خلیج فارس + واکنش عربستان سعودی»، ۱۳۹۰/۱۰/۲۵.

هیچ کشوری نخواهد داد^۱. همچنین به کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس نیز اعلام شد که «تهران در هدف قرار دادن هر کشوری که در حمله نظامی به تأسیسات ایران کمک کند یا راه را برای انجام آن هموار سازد، درنگ نخواهد کرد»^۲. در نهایت اتحادیه اروپا در اوایل بهمن ماه ۱۳۹۰ چنین تصمیم گرفت که برای تحریم نفتی ایران و پیگیری مسئله هسته‌ای راه گفتگو را انتخاب کند و این تصمیم را اعلام کرد^۳.

ب. موازنه‌سازی در تسلیحات متعارف: که به آن اشاره شد.

ت. چتر هسته‌ای^۴ بر فراز شورای همکاری: نخستین زمره‌ها درباره بحث گسترش چتر هسته‌ای بر فراز دولت‌های عضو شورای همکاری خلیج فارس را می‌توان در گزارش تحلیلی «کدامین مسیر به ایران؟ گزینه‌هایی برای یک استراتژی جدید در قبال ایران»^۵ شنید. این گزارش که آن را کنت پولاک^۶، مارتین ایندیک^۷ و دیگر کارشناسان امریکایی امور خاورمیانه در مؤسسه بروکینگز^۸ تهیه کرده‌اند، در برابر تهدید اتمی ایران، گزینه گسترش چتر هسته‌ای بر فراز دولت‌های عضو شورای همکاری خلیج فارس، مصر، اسرائیل و عراق را طرح می‌کند (۲۰۰۹: ۱۴۰). این بحث صرفاً در محافل سیاست‌گذاری طرح نشده بود و آن را هیلاری کلینتون^۹، وزیر امور خارجه، و رابرت گیتس^{۱۰}، وزیر دفاع سابق ایالات متحده، نیز بیان کرده‌اند. کلینتون در این باره گفته است: «ما از گسترش چتر هسته‌ای از اروپا و ژاپن به دیگر نقاط نظیر عربستان سعودی، کویت و دیگر کشورهای عرب با هدف

1. DefenseNews: Iran Renews Threat to Close of Hormuz: <http://www.defensenews.com/article/20111227/DEFSECT03/112270302/Iran-Renews-Threat-Close-Strait-Hormuz>

۲. روزنامه‌السیاسه کویت نوشت که مقامات رسمی ایران چنین پیامی را به اعضای شورای همکاری ارسال کرده‌اند. (به نقل از ایرنا، «السیاسه مدعی تهدید کشورهای شورای همکاری از سوی ایران شد»، ایرنا، ۱۳۹۰/۹/۲۰).

۳. تابناک: «توافق اتحادیه اروپا بر سر تحریم نفتی ایران»، ۱۳۹۰/۱۱/۳.

4. Nuclear Umbrella

5. WHICH PATH TO PERSIA? Options for a New American Strategy toward Iran

6. Kenneth M. Pollack

7. Martin Indyk

8. Brookings

9. Hillary Clinton

10. Robert Gates

تضمین اقدامات متقابل حمایت می‌کنیم». گیتس نیز اعلام کرده است که متحدان ایالات متحده در قبال تهدید هسته‌ای ایران می‌توانند بر توان بازدارندگی ایالات متحده حساب کنند (به نقل از 16: Khaitous, 2009).

تا به حال شورای همکاری خلیج فارس یا اعضای آن در این خصوص اظهار نظری رسمی نکرده‌اند. با این حال اظهارات برخی افراد نزدیک و مرتبط با رهبران این دولت‌ها از طرح این گزینه در محافل خصوصی و تصمیم‌سازی اعراب حکایت می‌کند. برای مثال *سامی الفرج*، مشاور ارشد دولت کویت و مشاور عالی شورای همکاری خلیج فارس، در این خصوص گفته است: «اگر ایران بمب اتمی بسازد، امریکا، اسرائیل و پاکستان سه کشوری خواهند بود که کشورهای حوزه خلیج فارس برای ساخت چتری هسته‌ای به آنها توسل می‌جویند»^۱.

ث. تلاش برای دستیابی به سلاح هسته‌ای: نشانه‌ها درباره احتمال و لزوم دستیابی به سلاح هسته‌ای از سوی مهم‌ترین عضو شورای همکاری خلیج فارس یعنی عربستان سعودی دیده می‌شود. شاهزاده *ترکی الفیصل*، رئیس سابق دستگاه اطلاعاتی عربستان، در این خصوص گفته است: «با توجه به شکست تلاش‌های ما و کشورهای دنیا برای قانع کردن اسرائیل به منظور دست کشیدن از سلاح‌های کشتار جمعی و همچنین تسلیح ایران به همان سلاح‌ها، ما نیز وظیفه داریم همه گزینه‌های موجود از جمله دستیابی به این سلاح‌ها را بررسی کنیم»^۲. *چاس فریمن*^۳، سفیر سابق ایالات متحده در عربستان سعودی، نیز از اظهارات خصوصی برخی مقامات سعودی با وی پرده برداشته است که گفته‌اند در صورت دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای، مقامات ریاض نیز مجبور به دستیابی به این سلاح خواهند شد (Lippman, 2004: 129).

نکته حائز اهمیت آن است که نه عربستان سعودی و نه هیچ یک از دیگر اعضای شورای همکاری خلیج فارس دانش علمی - فنی، منابع اورانیوم و تجهیزات لازم برای غنی‌سازی حتی در سطوح آزمایشگاهی را ندارند؛ بنابراین

۱. تابناک: «لحظه‌شماری مشاور شورای همکاری برای حمله اسرائیل به ایران»، ۱۳۸۶/۱۱/۲۴.

۲. تابناک: کد خبر: ۲۰۸۳۸۸.

3. Chas Freeman

ممکن است در آغاز احتمال دستیابی به سلاح هسته‌ای توسط دولت‌های نام‌برده بعید به نظر برسد. با این حال توجه به دو نکته این احتمال را تقویت می‌کند. نخست اینکه برخی از اعضای شورای همکاری خلیج فارس نظیر عربستان سعودی، قطر و امارات متحده عربی با ایالات متحده و فرانسه موافقت‌نامه‌هایی در حوزه انرژی هسته‌ای امضا کرده‌اند.^۱ دوم اینکه همواره این احتمال وجود دارد که عربستان سعودی به خرید کلاهک‌های هسته‌ای از خارج اقدام کند. با توجه به روابط حسنه عربستان - پاکستان و کمک‌های مالی ریاض به اسلام‌آباد در مراحل اولیه برنامه هسته‌ای این کشور، این احتمال چندان ضعیف به نظر نمی‌رسد (12: Khaitous, 2009). به علاوه، با در نظر گرفتن اهداف راهبردی عربستان سعودی در دنیای عرب و جهان اسلام، این احتمال قوت بیشتری می‌گیرد. در این زمینه، عربستان حتی پیش از طرح برنامه هسته‌ای ایران در سال ۱۹۸۶، ۳۶ موشک بالستیک CCS-2 را از چین خریداری کرد. این موشک‌ها که بدون اطلاع ایالات متحده خریداری شدند، ۱۵۰۰ مایل (۲۶۰۰ کیلومتر) برد دارند و همچنین می‌توانند کلاهک‌های هسته‌ای حمل کنند.^۲

۴-۴. تحریک اقلیت‌های شیعی در دولت‌های عضو شورای همکاری

همان‌گونه که بیان شد، «مذهب» یکی از عوامل وابستگی شدید امنیتی در زیرمجموعه خلیج فارس است. در این مجموعه ایران، عراق و بحرین، اکثریت شیعی (اقلیت سنی) و باقی دولت‌ها، اکثریت سنی (اقلیت شیعی) دارند. در این بستر دولت‌های خلیج فارس به سیاست‌های همسایگان خود درباره اقلیت‌های مذهبی حساس هستند. فراتر از این سطح، شکاف‌های فرقه‌ای در منطقه، زمینه لازم برای شکل‌گیری «عرصه‌های نیابتی»^۳ و انتقال رقابت بازیگران اصلی به آن حوزه‌ها را فراهم آورده است.

1. bloomberg. com: Saudi Arabia, France Sign Nuclear Energy Cooperation Agreement: <http://www.bloomberg.com/news/2011-02-22/saudi-arabia-france-sign-nuclear-energy-cooperation-agreement.html>

2. Washington Institute for Near East Policy: "Chinese-Saudi Cooperation: Oil but Also Missiles", Available at: <http://www.washingtoninstitute.org/templateC05.php?CID=2460>.

3. Proxy Arena

جدول شماره ۲. نسبت جمعیت شیعیان و اهل سنت در مجموعه خلیج فارس

کشور	درصد جمعیت سنی	درصد جمعیت شیعی
ایران	۳-۳/۵ %	۹۶-۹۷ %
بحرین	۲۰-۳۵ %	۶۵-۸۰ %
عراق	۳۵-۴۰ %	۶۰-۶۵ %
کویت	۶۵-۷۰ %	۳۰-۳۵ %
عربستان سعودی	۷۵-۸۰ %	۲۰-۲۵ %
امارات متحده عربی	۶۷ %	۱۶ %
قطر	۹۵ %	۱۳ %
عمان	۹۲ %	۷ %

(Hunter, 2010: 186)

با گسترش دامنه خیزش های مردمی از زیرمجموعه های مغرب و شامات به بحرین در خلیج فارس، زمینه لازم برای تشدید هر چه بیشتر تنش ها میان ایران و شورای همکاری خلیج فارس با محوریت عامل مذهب فراهم شد. از دیدگاه اعضای شورای همکاری، مهم ترین تهدید ایران نه در قابلیت های موشکی و هسته ای تهران، بلکه شکل گرفته از آرمان های ایدئولوژیک و از آن جمله تلاش برای بسیج اقلیت های شیعی در منطقه است (Dobbins & Others, 2011: 31). دولت بحرین در مواجهه با اعتراض های مردمی، مانند دیگر دولت های درگیر با خیزش های مردمی سیاست سرکوب را در پیش گرفت که این امر موجب اعتراض شدید ایران شد؛ بنابراین دولت های عضو شورای همکاری خلیج فارس با رهبری عربستان سعودی سیاست های ذیل را در مقابل جمهوری اسلامی اتخاذ کردند:

الف. تفسیر تحولات در قالب تنش های فرقه ای (شیعه — سنی): اعضای شورای همکاری خلیج فارس همواره در سالیان گذشته با به کارگیری ادبیات فرقه گرایانه تلاش کرده اند ایران را «دولتی شیعی» معرفی کنند. در مقابل جمهوری اسلامی می کوشد ایران پس از انقلاب را دولتی اسلامی و حامی منافع مسلمانان در برابر غرب، فارغ از تفاوت های فرقه ای معرفی کند. این تصویرسازی های متعارض به ویژه با تحولات بحرین تشدید شده است (Lynch, 2011: 24)؛ بنابراین در بیش از یک سال گذشته اتهام مداخله ایران و حتی حزب الله لبنان با رویکرد فرقه گرایانه در

امور داخلی بحرین، در بیانیه‌های شورای همکاری خلیج فارس دیده می‌شود.^۱ مهم‌ترین مستندات شورا در این خصوص سیاست‌های رسانه‌ای^۲ جمهوری اسلامی و اظهارات برخی روحانیان^۳ و سیاستمداران ایرانی^۴ است. در این زمینه فعالیت شبکه بین‌المللی العالم در عربستان سعودی، بحرین و دیگر کشورهای عربی لغو شد و همچنین حذف آن از ماهواره‌های عرب‌ست و نایل‌ست، فعالیت این شبکه را با دشواری‌هایی روبه‌رو کرده است.^۵ مقامات ایرانی در مقابل این دعاوی، به حمایت‌های تهران از جنبش‌های سنی مسلک در تونس، مصر و لیبی^۶ استناد می‌کنند و اتهامات فرقه‌گرایانه را نظرات یک جانبه برخی از اعضای شورای همکاری خلیج فارس و مغایر با روح کلی آن اعلام می‌کنند.^۷ در این میان «کمیسیون مستقل تحقیق بحرین»^۸ متشکل از پنج عضو با ملیت‌های مختلف، با انتشار گزارش پایانی خود در دسامبر ۲۰۱۱ منکر دخالت ایران در حوادث بحرین شد:

«شواهد ارائه‌شده توسط دولت بحرین درباره دخالت جمهوری اسلامی در امور داخلی این کشور، هیچ‌گونه ارتباط مشخصی میان جمهوری اسلامی ایران و حوادث فوریه و مارس ۲۰۱۱ نشان نمی‌دهد»
(Bassiouni&Others, 2011: 387).

۱. برای نمونه بنگرید به: «بیانیه شورای همکاری خلیج فارس علیه ایران»، تابناک، ۱۳۹۰/۱/۲۹؛ «موضع‌گیری ضد ایرانی شورای همکاری خلیج فارس» همان، ۱۳۹۰/۱/۱۵. همچنین «بیانیه تازه رهبران عرب خلیج فارس درباره ایران»، همان، ۱۳۹۰/۹/۳۰.
۲. در این خصوص بنگرید به: تابناک: «ادعای پادشاه بحرین علیه رسانه‌های ایرانی»، ۱۳۹۰/۹/۲.
۳. آیت‌الله جنتی در نماز جمعه تهران، تیرماه ۱۳۹۰ اظهار کرد: «امریکایی‌ها در لباس سربازان عربستانی مردم بحرین را زندانی و آنها را از کار، دانشگاه و حتی بیمارستان‌ها اخراج می‌کند؛ درحالی‌که این مردم این را مطرح می‌کنند که هر نفر یک رأی داشته باشد». در اعتراض به این سخنان، الزیانی، دبیر کل بحرینی شورای همکاری، در دیدار با سفیر ایران در عربستان یادداشت اعتراضی را تقدیم وی کرد (دیپلماسی ایرانی: «واکنش عربستان به سخنان آیت‌الله جنتی»، ۱۳۹۰/۴/۲۸).
۴. الزیانی، دبیر کل بحرینی شورای همکاری، در واکنش به بیانیه کمیسیون امنیت ملی ایران در خصوص تحولات بحرین، رویکرد ایران را «بازی با آتش» توصیف کرد (۱). بنگرید به: تابناک: «گویا ایرانی‌ها می‌خواهند با آتش بازی کنند»، ۱۳۹۰/۱/۱۴.
۵. تابناک: «اقدامی با هدف مقابله با دیپلماسی رسانه‌ای ایران»، ۱۳۹۰/۲/۲۶.
۶. تابناک: «لاریجانی: مشکل حکام منطقه با فراق‌کنی حل نمی‌شود»، ۱۳۹۰/۱/۱۹.
۷. تابناک، «واکنش مهمانپرست به بیانیه چند کشور عربی»، ۱۳۹۰/۱۰/۱.

علاوه بر این، برخی گزارش‌ها نیز حاکی از آن است که پادشاه و ولیعهد بحرین حتی قبل از انتشار گزارش یادشده، در یکی از اجلاس‌های شورای همکاری خلیج فارس به صراحت منکر دخالت و نقش ایران در تحولات داخلی این کشور شده بودند که ظاهراً با مخالفت دیگر اعضا مواجه شده بود!

ب. **مداخله نظامی نیروهای سپر جزیره در بحرین:** «سپر جزیره» یا «دِرْعُ الْجَزیره» بازوی نظامی شورای همکاری خلیج فارس است که در نوامبر ۱۹۸۲ با هدف حمایت از اعضا در برابر تهدیدات خارجی تشکیل شد.^۲ با تشدید اعتراضات مردمی در بحرین و به درخواست پادشاه این کشور در مارس ۲۰۱۱، نیروهای نظامی عربستان سعودی و امارات در قالب سپر جزیره وارد این کشور شدند و روند سرکوب‌ها شدت گرفت. این اقدام که با چراغ سبز و سکوت ظاهری ایالات متحده همراه بود^۳، موجب اعتراض شدید مقامات تهران شد که از نظر آنها در تضاد با حقوق بین‌الملل قرار داشت^۴. در این زمینه جمهوری اسلامی در نامه‌ای اعتراضی به دبیر کل سازمان ملل و رئیس شورای امنیت، ضمن اعتراض به مداخله نیروهای سپر جزیره، خواستار توقف سرکوب‌ها شد^۵.

شورای همکاری خلیج فارس نیز در مقابل با ارسال نامه به دبیر کل سازمان ملل و رئیس شورای امنیت، از آنچه «مداخله ایران در امور دولت‌های عضو شورای همکاری» خواند، شکایت کرد^۶. علاوه بر این، شورا به منظور کسب مشروعیت بین‌المللی برای اقدام خود تحرکات دیپلماتیکی را در پیش گرفت؛ نشست‌هایی با اتحادیه اروپا^۷ و چین^۸ برگزار کرد که در بیانیه پایانی ضمن حمایت از اقدامات شورا، مداخله دیگر دولت‌ها در امور داخلی بحرین محکوم شده بود. عربستان

۱. تابناک: «اظهارات منتشر نشده پادشاه بحرین درباره ایران»، ۱۳۹۰/۱/۲۱.
۲. «آشنایی با نیروی اشغالگر سپر جزیره»، تابناک، ۱۳۸۹/۱۲/۲۷.
۳. بنگرید به اظهارات جی کارنی، سخنگوی کاخ سفید در این خصوص: «دفاع سخنگوی امریکا از اشغال بحرین»، تابناک: ۱۳۸۹/۱۲/۲۴.
۴. برای توضیح بیشتر در این خصوص بنگرید به مصاحبه داوود آقایی، استاد حقوق بین‌الملل دانشگاه تهران با دیپلماسی ایرانی. دیپلماسی ایرانی: «مداخله در بحرین در تضاد با حقوق بین‌الملل»، ۱۳۹۰/۱/۱۸.
۵. تابناک: «نامه ایران به سازمان ملل درباره بحرین»، ۱۳۹۰/۵/۲۵.
۶. دیپلماسی ایرانی: «شکایت شورای همکاری خلیج فارس علیه ایران»، ۱۳۹۰/۲/۴.
۷. تابناک: «واکنش ایران به بیانیه مشترک ضد ایران»، ۱۳۸۹/۲/۲.
۸. بنگرید به: تابناک: «حمایت چین از اقدام اخیر شورای همکاری»، ۱۳۹۰/۳/۳.

سعودی نیز مذاکراتی با دولت‌های پاکستان، مالزی، اندونزی و برخی کشورهای آسیای میانه ترتیب داد و از آنها برای مشارکت نظامی در بحرین دعوت کرد که ظاهراً با مخالفت مقامات بحرینی مواجه شد.^۱

ب. **تلاش برای مهار ایران:** تلاش‌های شورای همکاری خلیج فارس با هدف مهار ایران، ضمن تمرکز بر خلیج فارس به زیرمجموعه‌های مجاور در شامات و مغرب نیز گسترش یافته است. گفتنی است که اعضا به هیچ وجه دیدگاه مشترکی در این خصوص ندارند. این تلاش‌ها در سه حوزه دیده می‌شود:

نخست، تلاش برای ایجاد کنفدرالیسم با هدف طراحی سیاست واحد خارجی، دفاعی و امنیتی در شورای همکاری خلیج فارس: اگرچه بحث کنفدرالیسم در راستای طرح‌های گذشته شورا نظیر ایجاد بازار و واحد پولی مشترک است، تحولات اخیر منطقه به ویژه در بحرین موجب توجه جدی‌تر اعضا به آن شده است. کویت، قطر و عمان از مخالفان و عربستان سعودی و بحرین از موافقان جدی این طرح هستند و برای توجیه آن بر تهدید ایران تأکید می‌ورزند.^۲

دوم، تلاش برای گسترش اعضای شورای همکاری خلیج فارس: شورای همکاری خلیج فارس در مه ۲۰۱۱ (اردیبهشت ۱۳۹۰) با درخواست عضویت اردن و مغرب در شورا موافقت کرد.^۳ این امر در حالی است که اردن هیچ مرز آبی در خلیج فارس ندارد و مغرب نیز در متناهیه بخش باختری خاورمیانه واقع شده است. توجه به این عضوگیری‌ها از آن نظر اهمیت دارد که تقاضای بیش از شش ساله عراق برای عضویت در شورا بی پاسخ مانده است و همچنین در سه دهه گذشته هیچ دعوتی از ایران، به عنوان دارنده بیشترین مرز دریایی در خلیج فارس،

۱. تابناک: «عربستان به دنبال متحدان جدید ضد ایرانی»، ۱۳۹۰/۳/۷.

۲. در بیانیه مجلس ملی بحرین در این خصوص آمده است: «بحرین موقعیت استراتژیکی دارد، از ثروت‌های طبیعی بسیاری برخوردار است و مرکز مالی منطقه محسوب می‌شود؛ از این رو مورد طمع دیگر کشورهاست، علاوه بر آن خطرهای امنیتی بسیاری آن را تهدید می‌کند. از آن رو که بحرین کیان شورای همکاری به حساب می‌آید، منامه بسیار اصرار دارد که اتحادیه کنفدرالیسم فوراً تشکیل شود تا بتواند در برابر این تهدیدها بایستد» (به نقل از دیپلماسی ایرانی، «اتحادیه کنفدرالیسم شورای همکاری، از رؤیا تا واقعیت»، ۱۳۹۰/۲/۲۵).

۳. دیپلماسی ایرانی: «عضوگیری‌های جدید فقط برای تقویت جبهه ضد ایرانی»، ۱۳۹۰/۲/۲۲.

برای عضویت در شورا به عمل نیامده است. به علاوه، با توجه به رد درخواست عضویت مصر در شورا به دلیل استمرار محاکمه حسنی مبارک و تلاش برای برقراری روابط با ایران^۱ این گسترش اعضا صرفاً با هدف مهار نفوذ جمهوری اسلامی در خاورمیانه توجیه می‌شود.^۲ عربستان سعودی، بحرین و امارات از موافقان و کویت، قطر و عمان از مخالفان جدی گسترش اعضای شورا هستند و در این زمینه به مشکلات اقتصادی اردن و مشروطه بودن حاکمیت مغرب استناد می‌کنند.^۳

سوم، مداخله مستقیم در تحولات سوریه: سوریه متحد استراتژیک ایران در خاورمیانه و حلقه واسط میان ایران، حزب‌الله لبنان و حماس در غزه به شمار می‌رود. با آغاز ناآرامی‌های این کشور، شورای همکاری خلیج فارس تلاش کرد از این فرصت به منظور بهره‌گیری از کاهش نفوذ منطقه‌ای ایران استفاده کند؛ بنابراین سیاست مداخله در امور داخلی سوریه و فشار بر دولت دمشق در دستور کار قرار گرفت. شورای همکاری خلیج فارس در بیانیه‌های مختلف از دولت اسد به دلیل استفاده از خشونت علیه معترضان سوری انتقاد کرده است و از مخالفان دولت سوریه حمایت می‌کند.^۴ علاوه بر این، شورا فشارهایی را نیز از مجرای شورای امنیت سازمان ملل، سازمان همکاری‌های اسلامی و اتحادیه عرب بر دولت سوریه تحمیل کرده است؛ تعلیق عضویت سوریه در اتحادیه عرب^۵ و سازمان همکاری‌های اسلامی، اعزام هیئت ناظران اتحادیه و همچنین صدور بیانیه‌های مختلف^۶ از جمله

۱. دیپلماسی ایرانی: «شورای همکاری عضویت مصر را رد کرد»، ۱۳۹۰/۲/۲۵.
۲. ملک عبدالله، پادشاه عربستان صراحتاً موارد مذکور را دلیل عدم پذیرش مصر در شورای همکاری خلیج فارس عنوان کرده است. (بنگرید به: دیپلماسی ایرانی: «شورای همکاری عضویت مصر را رد کرد»، ۱۳۹۰/۲/۲۵. همچنین: دیپلماسی ایرانی: «عضوگیری‌های جدید فقط برای تقویت جبهه ضد ایرانی»، ۱۳۹۰/۲/۲۲).
۳. دیپلماسی ایرانی: «دعوایی که اردن و مغرب در شورای همکاری ایجاد کردند»، ۱۳۹۰/۳/۲۶.
۴. کریستوفر دیویدسون، تحلیلگر مسائل خلیج فارس، مخالفت سعودی‌ها در برابر برخورد دولت اسد با معترضان را حرکتی سیاسی خوانده و علت اصلی آن را ایران عنوان می‌کند. (تابناک: «در رویکرد منطقه‌ای عربستان جایی برای ایران وجود ندارد»، ۱۳۹۰/۵/۲۳).
۵. برای نمونه بنگرید به: تابناک، «واکنش سوریه به بیانیه شورای همکاری»، ۱۳۹۰/۵/۱۶.
۶. تابناک: «قطع رابطه اتحادیه عرب با سوریه»، ۱۳۹۰/۸/۲۱.
۷. برای نمونه اتحادیه عرب در بیانیه خود به تاریخ ۱۳۹۰/۱۱/۲ موارد ذیل را از دولت سوریه می‌خواهد: آزادی تمامی زندانیان، تخلیه شهرها از نظامیان سوری، واگذاری اختیارات اسد به معاون اول خود و موافقت با تشکیل دولت وحدت ملی. (تابناک: «متن بیانیه جدید اتحادیه عرب علیه سوریه»، ۱۳۹۰/۱۱/۳).

این موارد است. در محور رسانه‌ای نیز تحولات سوریه تحت پوشش کامل العربیه و الجزیره قرار دارد.

همان‌گونه که برخی تحلیلگران (Lynch, 2011) نیز اشاره کرده‌اند، در فضای خیزش‌های عربی خاورمیانه، نوعی «جنگ سرد» در روابط ایران و شورای همکاری خلیج فارس شکل گرفته و به رغم تلاش‌های جمهوری اسلامی، زیرمجموعه خلیج فارس در نتیجه این تعاملات حول هویت‌های فرقه‌ای مرکزیت یافته است. به نظر می‌رسد بحرین و سوریه به عرصه‌ای برای رقابت‌های نیابتی ایران و عربستان، دو بازیگر اصلی در زیرمجموعه امنیتی خلیج فارس، بدل شده‌اند.

۵. ریشه‌ها و دلایل ایران‌هراسی در خلیج فارس

در بخش قبل، مؤلفه‌های تشکیل دهنده پندار تهدید ایران و سیاست‌های شورای همکاری خلیج فارس در قبال آنها تشریح شد. همان‌گونه که بیان شد، دولتمردان اصولگرا نه تنها گفتمان انقلابی را در روابط خود با اعضای شورای همکاری خلیج فارس در پیش نگرفتند، بلکه گام‌هایی فراتر از دولت‌های گذشته به سوی اعراب برداشتند؛ در خصوص قدرت نظامی ایران نیز کارشناسان مسائل نظامی بر ویژگی بازدارندگی آن تأکید می‌کنند؛ هیچ شواهدی مبنی بر انحراف ایران از مقاصد صلح‌آمیز در برنامه هسته‌ای وجود ندارد؛ ادعای دخالت ایران در خیزش‌های مردمی بحرین نیز بر خلاف گزارش کمیسیون مستقل تحقیق بحرین و حتی اظهارات برخی مقامات ارشد دولت منامه است؛ بنابراین باید به پرسش فرعی دوم پاسخ داد که به راستی چه کسانی بر طبل «تهدید ایران» می‌کوبند و مقاصد آنها از سیاست «ایران‌هراسی» چیست؟ در پاسخ استدلال می‌شود که ایالات متحده و عربستان سعودی اهدافی استراتژیک در خلیج فارس و خاورمیانه دارند که با منافع جمهوری اسلامی در تضاد است؛ بر این اساس این دولت‌ها به منظور جلب همکاری و همراهی دیگر دولت‌های خلیج فارس سیاست ایران‌هراسی را در پیش گرفته‌اند.

۱-۵. ایالات متحده

ایالات متحده اهدافی راهبردی و بلندمدت در خاورمیانه و زیرمجموعه خلیج فارس دارد که به دولت یا حزبی خاص منحصر نیست. این اهداف عبارت است از: (۱)

جلوگیری از گسترش سلاح‌های کشتار جمعی؛ ۲) مبارزه با تروریسم و رادیکالیسم اسلامی؛ ۳) گسترش دموکراسی و توسعه اقتصادی در منطقه؛ ۴) جلوگیری از گسترش نفوذ ایران و بازیگران مرتبط با آن (نظیر حزب الله و حماس)؛ ۵) تضمین جریان آزاد نفت و گاز با قیمت متعادل به دنیای خارج؛ ۶) تأمین امنیت اسرائیل و حل منازعه اعراب و اسرائیل (Blackwill & Slocombe, 2011: 4-5). به‌منظور تأمین این اهداف، ایالات متحده در سه دهه گذشته به بسط حضور نظامی و امنیتی خود در خاورمیانه، بالاخص در خلیج فارس پرداخته و هم‌اکنون سرنوشت هژمونی جهانی خود را گره خورده با این حضور می‌داند (سجادپور، ۱۳۹۰: ۱۲۸).

از نظر سیاست‌گذاران ایالات متحده، جمهوری اسلامی در سه دهه گذشته، اهداف یادشده و حضور واشنگتن در خاورمیانه را با چالش مواجه کرده است (U. S. National Security Strategy, 2010: 26)؛ بنابراین ایالات متحده باید به مقابله یا مدیریت تهدید ایران بپردازد. هر سیاستی که بدین منظور اتخاذ شود، نیازمند همراهی و همکاری دولت‌های خاورمیانه به‌ویژه اعضای شورای همکاری خلیج فارس است. از این رو واشنگتن می‌کوشد شورای همکاری خلیج فارس را به بلوکی واحد در برابر ایران بدل کند (Dobbins & Others, 2011: 41). بدین منظور «صنعت ترس»^۱ یکی از مهم‌ترین راهبردهای ایالات متحده در خلیج فارس است که در دوران جنگ سرد با تهدید شوروی و در دوران معاصر با تهدید ایران دنبال می‌شود (سجادپور، ۱۳۹۰: ۱۲۹). در ادامه به مهم‌ترین مؤلفه‌های سیاست ایران‌هراسی ایالات متحده اشاره می‌شود که در آثار پژوهشگران امریکایی امور خاورمیانه طرح شده است و می‌شود: **نخست، تلاش برای سرنگونی دولت‌های عضو شورای همکاری:** این تهدید بیشتر متوجه دولت‌های عربستان سعودی، کویت و بحرین است که جمعیت بالای شیعی دارند؛ برای نمونه دیوید پولاک^۲ در ارزیابی خود از تهدیدات داخلی و خارجی دولت کویت، مهم‌ترین تهدید را برگرفته از اقدامات تروریستی تهران و تحریک شیعیان این کشور به سرنگونی خاندان آل صباح می‌داند (2007: 22).

1. Fear Industry
2. David Pollack

دوم، تلاش برای دستیابی به سلاح هسته‌ای: آش جین^۱ معتقد است با دستیابی ایران به سلاح اتمی، مهم‌ترین تهدیدات پیش روی اعراب از سوی جمهوری اسلامی عبارت است از: انتقال سلاح‌های هسته‌ای به گروه‌های حماس و حزب الله، تقویت جایگاه ایران و جبهه مقاومت در خاورمیانه، بهره‌گیری از آن در حل اختلافات مرزی، فشار بر اعراب برای پایان بخشیدن به همکاری نظامی با ایالات متحده، پیشبرد سیاست‌های نفتی در اوپک و تبدیل بغداد به شریک استراتژیک تهران (17-11: 2011).

سوم، حمایت از گروه‌های تندرو اسلامی و تروریسم: جوان زاراته^۲ ایران را حامی شبکه‌ای از گروه‌های تروریستی می‌داند که از افغانستان، عراق، لبنان و فلسطین آغاز می‌شود و به سراسر جهان گسترش می‌یابد. در این مورد، برخی از اقدامات تروریستی نظیر انفجار بوینس آیرس در آرژانتین (۱۹۹۴)، حوادث برلین (۱۹۹۲) و برج‌های خُبر در عربستان به ایران نسبت داده می‌شود (41-40: 2008). نمونه اخیر در این خصوص، ادعای دست داشتن سپاه قدس ایران در طرح ترور عادل الجبیر، سفیر عربستان سعودی در واشنگتن، است.^۳

۲-۵. عربستان سعودی

عربستان سعودی نیز دارای اهداف راهبردی در منطقه خاورمیانه می‌باشد که به شدت متأثر از نفت و حرمین شریفین است. این اهداف عبارتند از: ۱. نیل به جایگاه برتر منطقه‌ای؛ ۲. رهبری جهان اسلام و ۳. حفظ جایگاه خود به عنوان صادرکننده پیشتاز نفت (صادقی و احمدیان، ۱۳۸۹: ۱۴۰).

به منظور تحقق این اهداف، ریاض محیط پیرامونی خود را به دو جبهه پادشاهی‌های خلیج فارس و باقی خاورمیانه تقسیم کرده است و می‌کوشد از حضور ایران به منزله مهم‌ترین رقیب خود در این عرصه‌ها جلوگیری کند.

در جبهه نخست، عربستان سعودی هر گونه تهدید علیه اعضای شورای

1. Ash Jain

2. Juan Zarate

۳. عربستان سعودی در این خصوص به شورای امنیت و مجمع عمومی سازمان ملل شکایت کرد و توانست در مجمع عمومی قطعنامه‌ای را در محکومیت جمهوری اسلامی به تصویب بیش از یکصد عضو سازمان ملل برساند.

همکاری خلیج فارس یا نظام‌های حاکم بر آنها را خط قرمز و تهدید علیه خود قلمداد می‌کند. مهم‌ترین تهدید در این حوزه از سوی اقلیت‌های شیعی اعضای شورا است که دارای اشتراکات مذهبی با جمهوری اسلامی می‌باشند.

در جبهه دوم، گسترش نفوذ ایران در عراق مهم‌ترین نگرانی عربستان سعودی است. این کشور در عرصه‌های گوناگون نهادسازی و انتخابات عراق با جمهوری اسلامی به رقابت پرداخته که چندان موفقیت‌آمیز نبوده است (Eisenstadt, Knights & Ali, 2011: 3-7). همچنین پیوند تهران - بغداد می‌تواند آینده هژمونی ریاض در اوپک را با چالش مواجه کند. در حوزه شامات نیز ائتلاف هشت مارس در لبنان و حماس در غزه بر ائتلاف چهارده مارس و فتح (مورد حمایت عربستان) پیشی گرفته است (Norell, 2009: 8). این تفوق با دو جنگ لبنان (۲۰۰۶) و غزه (۲۰۰۸-۲۰۰۹) نهادینه شده است که نه تنها پیروزی بازیگران مورد حمایت تهران، بلکه پیروزی «الگوی مقاومت» مورد نظر ایران بر «الگوی مصالحه» مورد حمایت «محور اعتدال عربی» به رهبری مصر و عربستان سعودی نیز به شمار می‌رود (Norell, 2009: 56-57).

به استثنای بحرین و کویت، دیگر دولت‌های عضو شورای همکاری خلیج فارس تمایل کمتری به پیروی از سیاست‌های عربستان در قبال ایران دارند (Dobbins&Others, 2011: 37)؛ بنابراین به‌منظور مقابله با گسترش نفوذ تهران در خاورمیانه و خلیج فارس، ریاض نیز مانند واشنگتن^۱ نیازمند اتفاق نظر اعضای شورای همکاری خلیج فارس در مواضع و سیاست‌های اعمالی است.^۲ عربستان سعودی می‌کوشد با بهره‌گیری از سیاست «ایران‌هراسی»، توافق اعضای شورا در قبال ایران را به دست آورد. برای نمونه /میر عبد الله، پادشاه عربستان، در یکی از نشست‌های اخیر شورای همکاری خلیج فارس چنین گفته است: «امنیت و ثبات

۱. اگرچه ریاض و واشنگتن در خصوص ممانعت از گسترش نفوذ منطقه‌ای ایران اشتراک نظر دارند، اختلافات جدی میان آنها به‌ویژه در مسئله عراق و لبنان وجود دارد. به‌منظور مطالعه بیشتر بنگرید به (Dobbins&Others: 33-36).

۲. به عنوان نمونه‌ای از شکاف در میان اعضای شورای همکاری می‌توان به سفر صالحی، وزیر امور خارجه ایران، به کشورهای امارات، قطر و عمان اشاره کرد که با مخالفت و اعتراض شدید عربستان سعودی روبه‌رو شد (تابناک: «چرا عربستان صالحی را نپذیرفت»، ۱۳۹۰/۲/۲۰).

عربستان سعودی و کشورهای حاشیه خلیج فارس مورد هدف قرار گرفته است و این امر اقتضا می‌کند اعضای این شورا با یکدیگر متحد باشند^۱.

نتیجه‌گیری

با روی کار آمدن دوران اصولگرایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، دوران پرتنش دیگری در روابط ایران و همسایگان جنوبی آن آغاز شد که تاکنون نیز ادامه دارد. ما در این مقاله تلاش کردیم با بهره‌گیری از بصیرت‌های نظریه موازنه تهدید و مجموعه امنیتی منطقه‌ای به واکاوی این تنش‌ها بپردازیم. بر این مبنا و در تأیید فرضیه‌های به دست آمده از این دو نظریه به این نتایج دست یافتیم: نخست اینکه خلیج فارس زیرمجموعه‌ای امنیتی منطقه‌ای است و پویش‌های امنیتی آن در عین تأثیرپذیری از زیرمجموعه‌های مجاور، استقلالی نسبی دارد. تفسیر تحولات سرایت یافته به این زیرمجموعه از نظر الگوهای دیرینه دوستی و دشمنی، نظیر اعراب - ایرانیان و شیعه - سنی، مهم‌ترین دلیل این استقلال است. دوم اینکه بررسی رفتاری شورای همکاری خلیج فارس بیانگر آن است که پندار تهدید ایران مهم‌ترین عامل در سیاست‌های اعلامی و اعمالی شورا در قبال جمهوری اسلامی است؛ بنابراین با اثبات این فرضیه‌ها می‌توان دریافت که دو نظریه موازنه تهدید و مجموعه امنیتی منطقه‌ای ظرفیت تبیینی بالایی در تحلیل تعاملات ایران و شورای همکاری خلیج فارس دارند.

ایدئولوژی انقلابی، افزایش قدرت نظامی ایران، مقاصد نظامی در برنامه هسته‌ای و تحریک شیعیان در دولت‌های عضو شورای همکاری خلیج فارس مهم‌ترین مؤلفه‌های پندار تهدید ایران به شمار می‌روند. با وجود این، واکاوی دقیق این مؤلفه‌ها حکایت از غیرواقعی بودن آنها دارد؛ زیرا دولتمردان اصولگرا نه تنها گفتمان انقلابی را به روابط خود با اعراب سرایت ندادند، بلکه حتی گام‌های بلندی را به سوی آنها برداشتند که بی‌پاسخ ماند؛ در خصوص قدرت نظامی ایران نیز بسیاری از کارشناسان نظامی بر سرشت دفاعی و بازدارنده آن تأکید می‌کنند. هیچ دلیلی مبنی بر انحراف برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی از مقاصد نظامی وجود

۱. تابناک: «هشدار پادشاه سعودی به اعراب»، ۱۳۹۰/۳/۲۹.

ندارد. کمیسیون مستقل تحقیق بحرین نیز اتهام مداخله ایران در امور داخلی بحرین را مردود اعلام کرد. بر این اساس، در بخش پایانی مقاله ریشه‌ها و دلایل پنهان پندار تهدید ایران را بررسی کردیم. نتیجه به دست آمده آن است که ایالات متحده و عربستان سعودی اهداف راهبردی و بلندمدتی در خاورمیانه دارند که در تضاد آشکار با منافع جمهوری اسلامی است؛ بنابراین این دو کشور به‌منظور یکپارچه‌سازی دیگر دولت‌های عضو شورای همکاری خلیج فارس در برابر ایران، سیاست ایران‌هراسی را در پیش گرفته‌اند. *

کتابنامه

- اطلس جامع گیتاشناسی. ۱۳۸۸، تهران: مؤسسه جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی.
- اسدی، علی اکبر. ۱۳۸۹. «سیاست خارجی کشورهای شورای همکاری خلیج فارس»، در: شورای همکاری خلیج فارس: سیاست خارجی و روندهای داخلی، محمود واعظی، تهران: پژوهشکده تحقیقات راهبردی.
- بریتون، کرین. ۱۳۶۳. کالبدشکافی چهار انقلاب، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر نو.
- بلامی، الکس. جی. ۱۳۸۶. جوامع امن و همسایگان: دژهای منطقه‌ای یا همگرایان جهانی؟، ترجمه محمود یزدان‌فام و پریسا کریمی‌نیا، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بلیکی، نورمن. ۱۳۸۹. طراحی پژوهش‌های اجتماعی، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نی.
- بوزان، بری. ۱۳۸۹. مردم، دولت‌ها و هراس، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ دوم.
- جعفری ولدانی، اصغر. ۱۳۸۹. «ژئوپلیتیک تنگه هرمز و روابط ایران و عمان»، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال پنجم، شماره سوم، تابستان ۱۳۸۹، صص ۶۷-۳۵.
- _____ ۱۳۸۹. «نقش تنگناهای ژئوپلیتیکی عراق در اشغال کویت»، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال ششم، شماره سوم، صص ۶۹-۴۵.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال. ۱۳۸۶. «رویکرد اعراب به برنامه هسته‌ای ایران»، مطالعات خاورمیانه، سال چهاردهم، شماره ۲ و ۳، تابستان و پاییز ۱۳۸۶، صص ۸۶-۵۵.
- _____ و وحید نوری. ۱۳۹۱. سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوران اصولگرایی، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- سجادپور، سید محمدکاظم. ۱۳۹۰. «هژمونی جهانی و ترتیبات منطقه‌ای: سیاست امنیتی امریکا در خلیج فارس»، همشهری دیپلماتیک، بهمن ماه، صص ۱۲۹-۱۲۷.
- صادقی، حسین و حسن احمدیان. ۱۳۸۹. «عربستان سعودی؛ از هژمونی نفتی تا رهبری منطقه‌ای»، فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی، سال دوم، شماره سوم، پاییز ۱۳۸۹، صص ۱۷۰-۱۳۷.
- عبدالله‌خانی، علی. ۱۳۸۳. نظریه‌های امنیت، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- عسگرخانی، ابومحمد. ۱۳۸۳. رژیم‌های بین‌المللی، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.

گانگ، سان.ای. ۱۳۹۰. «پایگاه‌های نظامی ایالات متحده در کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس: پویایی برای سازگاری مجدد»، ترجمه حسن سعید کلاهی، ماهنامه مرکز مطالعات دفاعی نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، سال دوازدهم، شماره ۱۲۵.

مجتهدزاده، پیروز. ۱۳۸۰. تأثیر رویدادهای یازدهم سپتامبر بر خلیج فارس و آسیای غربی، در مجموعه مقالات دوازدهمین همایش بین‌المللی خلیج فارس، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.

مشیرزاده، حمیرا. ۱۳۸۶. تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، تهران: سمت، چاپ سوم. واعظی، محمود. ۱۳۸۹. شورای همکاری خلیج فارس و ایران، در شورای همکاری خلیج فارس: سیاست خارجی و روندهای داخلی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

Bassiouni, Mohmoud cherif, Nigel Rodley, Badria Al-Awadhi, Philippe Kirsch & Mahnoush H. Arsanjani (2011). *Report of the Bahrain Independent Commission of Inquiry*. Accessible at: <http://www.bici.org/bh/BICireportEN.pdf>.

Bilgin, Pinar (2005). *Regional Security in the Middle East: A Critical Perspective*, NewYork, RoutledgeCurzon.

Blackwill. D, Robert & Walter B. Slocombe (2011). *Israel: a Strategic Asset for the United States*, Washington, DC: Wahsington institute for Near East Policy.

Buzan, Barry & Ole Waeuver (2003). *Regions and Powers: The Structure of International Security*, Cambridge, Cambridge University Press.

Clawson, Patrick (2010). *The Red Line: How to assess Progress in U. s. iran Policy*, Washington, DC: Wahsington institute for Near East Policy.

Crist, David (2009) *Gulf of Conflict: A History of U. S. -Iranian Confrontation at Sea*, Washington, DC: Wahsington institute for Near East Policy.

Dobbins, James Alireza Nader, Dalia Dassa Kaye & Frederic Wehey. (2011). *Coping with a Nuclearizing Iran*, Santa Monica: Rand Corporation.

Donnelly, Jack (2004). *Realism and International Relations*, UK: Cambridge University Press.

Eisensttat, Michael, Michael Knights & Ahmed Ali (2011). *Iran's Influence in Iraq: Countering Tehran's Whole-of-Government Approach*, Washington, DC: Wahsington institute for Near East Policy.

Elman, Colin & Miriam Fendius Elman (2003). *Lessons from Lakatos* in Elman, Colin & Miriam Fendius Elman, (eds). *Progress in International Relations Theory*, Harvard University Press.

- Haghshenas, Fariborz (2008). *Iran's Asymmetric Naval Warfare*, Washington, DC: Wahsington institute for Near East Policy.
- Henderson, Simon (2008). *Energy in Danger: Iran, Oil and the West*, Washington, DC: Wahsington institute for Near East Policy.
- Hunter, Shireen. 2010. *Iran's Foreign Policy in the Post-Soviet Era revisiting the new international order*, Oxford: Oxford University Press.
- Jain, Ash. (2011). *Nuclear Weapons and Iran's Global Ambitions: Troubling Scenarios* Washington, DC: Wahsington institute for Near East Policy.
- Khaitous, Tariq (2009). *Arab Reactions to a Nuclear-Armed Iran*, Washington, DC: Wahsington institute for Near East Policy.
- Lippman, Thomas (2004). *Saudi Arabia: The Calculations of Uncertainty*, in Mitchell Reiss, Robert Einhorn, and Kurt Campbell, (eds). *The Nuclear Tipping Point* Washington, D. C.: Brookings Press.
- Lynch, Marc. 2011. *Upheaval: U. S. Policy Toward Iran in a Changing Middle East*, Washington, DC: Center for New American Security.
- Mouritzen, Hans (2005). *Kenneth Waltz: a critical rationalist between international politics and foreign policy*, in Iver B. Neumann & Ole Waever, (eds). *The Future of International Relations*, London: Routledge.
- Norell, Magnus (2009). *A Victory for Islamism? The Second Lebanon War and Its Repercussions*, Washington, D. C: Saban Center for Near East Policy.
- Paarlberg Robert L. (2004) *Knowledge as Power*, *International Security*, vol. 29, NO. 1: 122-151.
- Pollack David (2007). *Kuwait: Keystone of U. S. Gulf Policy*, Washington, DC: Wahsington institute for Near East Policy.
- Pollack Kenneth M. , Martin Indyck & Others (2009). *Which Path to Persia? Options for a New American Strategy toward Iran*, Washington, D. C: Saban Center for Near East Policy.
- Sadjadpour, Karim (2007). *Oil or the Atom? The Economic Underpinnings of Iranian Power*, in Patrick Clawson & Michael Eisenstadt, (eds). *Deterring the Ayatollahs: Complications in Applying Cold War Strategy to Iran*, Washington, DC: Wahsington institute for Near East Policy.
- Schweller, Randall L. (1996). *Neorealism's Status Quo Bias: What Security Dilemma?* *Security Studies* 5, No. 3 (Spring).
- Stuart J. Kaufman, Richard Little & William C. Wohlforth (2007). *The Balance of Power*

in *World History*, Palgrave Macmillan.

The Military Balance (2010). London: International Institute for Strategic Studies.

The military Balance (2011). London: International Institute for Strategic Studies.

U. S. National Security Strategy, (May 2010). Accessible at: http://www.whitehouse.gov/sites/default/files/rss_viewer/national_security_strategy.pdf

Walt, Stephen (1987). *The origins of Alliances*, Ithaca, NY: Cornell University Press.

_____ (1988). *Testing theories of alliance formation: the case of southwest Asia*, International Organization, 42, 2, Spring, 275-316.

_____ (1996). *Revolution and War*, Ithaca, NY: Cornell University Press.

Zarate, Juan (2008). *Winning the War on Terror: Marking Success and Confronting Challenges*, in Matthew Levitt and Michael Jacobson, (eds). *Terrorist Threat and U. S. Response: A Changing Landscape*. Washington, DC: Wahsington institute for Near East Policy.

www.Arabnews.com

www.bbc.co.uk

www.bloomberg.com

www.bp.com

www.defensenews.com

www.fardanews.com

www.globalresearch.ca

www.Gulfnews.com

www.Irdiplomacy.ir

www.Irna.ir

www.mehrnews.com

www.missiledefenseadvocacy.com

www.NATO.int

www.spiri.org

www.Tabnak.ir

